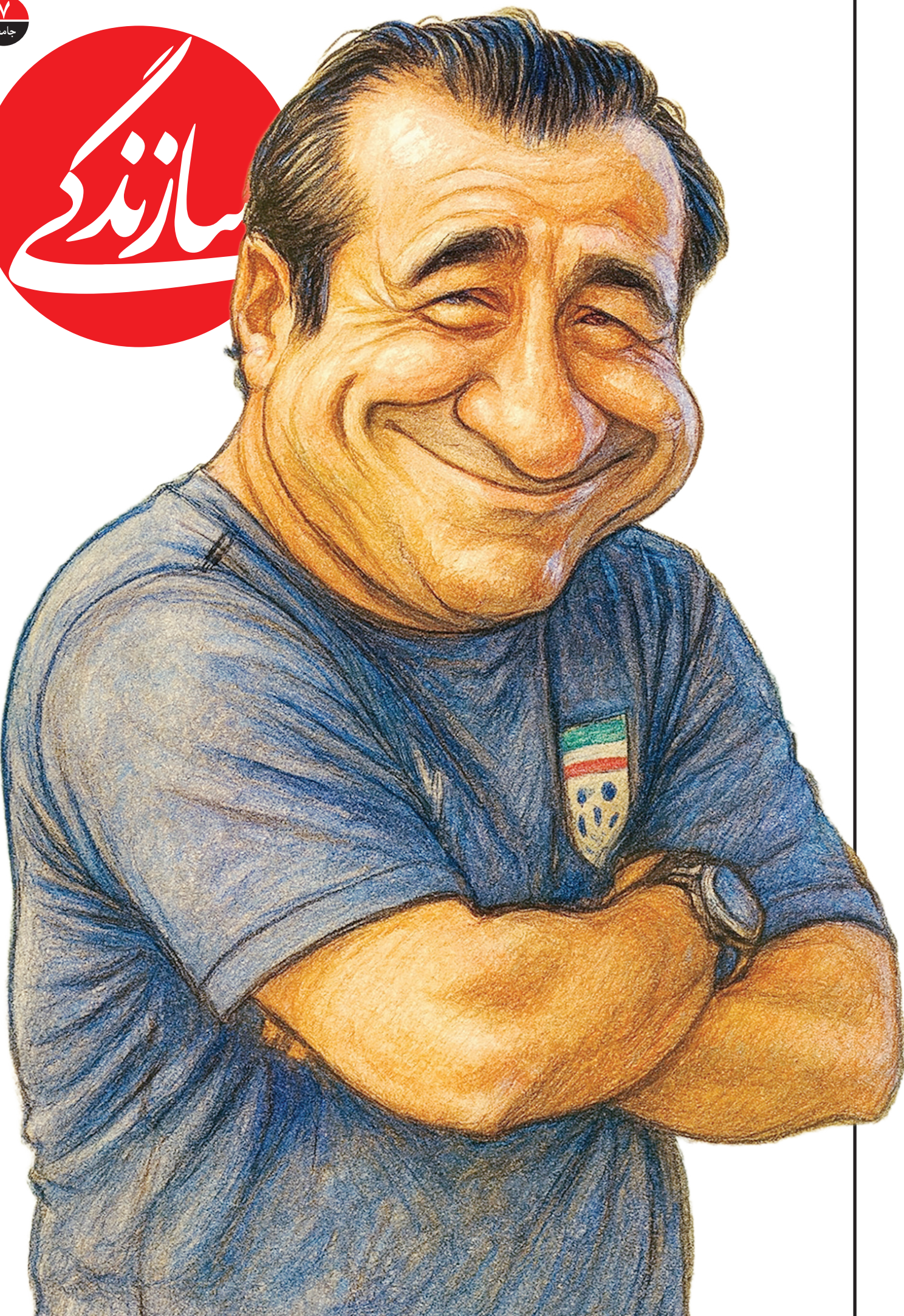


۳
افقنمایندہ‌ای نداریم!
غیبت طالبان در نشست تهران۴
کافهباقی در فرهنگ و کتاب
کامران فانی در ۸۱ سالگی درگذشت۷
کوچهرپ و دوگانه مجوز-اعتراض
درباره برنامه «گنگ» علی ضیاء

خداداد میلی

استفاده از الفاظ نامناسب توسط **خداداد عزیزی** در یک برنامه زنده تلویزیونی و تکرار رفتاری مشابه از سوی او در مقابل دوربین‌ها پس از یک بازی فوتبال که سعی در پافشاری بر این شیوه رفتاری نادرست داشت با واکنش‌های گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی مواجه شد به همین بهانه؛ سازندگی به بررسی نقش رسانه‌ها و برخی مسئولان در ترویج لمپنیسم پرداخته است

۷
جامعه

انتخابات تناسبی؛ کلید تحول

محسن هاشمی اعلام کرد:
اصلاح‌طلبان بدون لیست واحد، شانسی برای
کسب حدنصاب شورا نخواهند داشت

۲
میهن

یادداشت روز

از «ابرمرد بوم‌زیست»

تا متهم امنیتی

تعطیل اصل ۲۴ قانون اساسی و تعقیب اسماعیل کهرم

عمادالدین باقی

جامعه‌شناس
و پژوهشگر حقوق بشر

خبرگزاری فارس ۱۷ آذر ۱۴۰۴ در خبر اعلام جرم علیه آقای اسماعیل کهرم، مشاور سابق رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران آورده که وی به وب‌سایت خبری جماران گفته است: «هر موشکی که ساخته می‌شود، دو میلیون دلار هزینه دارد و اگر سلامت مردم برای مسئولان مهم باشد با پول ۱۰ موشک می‌توان مازوت‌ها را استاندارد کرد». او در این گفت‌وگو مازوت را عامل مسمومیت و سرطان‌زا قلمداد کرده است. دادستانی تهران، اظهارات کهرم را «خلاف واقع و ضد امنیت ملی» خوانده و علیه او و مدیر وب‌سایت جماران، اعلام جرم کرد. کل خبر این است: «در پی اظهارات خلاف واقع و ضد امنیت ملی کشور مشاور رئیس سابق سازمان حفاظت محیط‌زیست در مصاحبه با یک پایگاه خبری، علیه این فرد و مدیرمسئول پایگاه خبری اعلام جرم شد».

پرسش این است که چرا به‌صراحت گفته نمی‌شود که شخص یا نهاد اعلام جرم‌کننده کیست؟ قاعدتاً شاکی خصوصی نمی‌تواند باشد چون این سخن متوجه شخص معینی نیست و وقتی شاکی خصوصی نباشد در اینگونه موارد دادستان مدعی خواهد بود.

جست‌وجو در همان سایت میزان متعلق به قوه قضائیه نشان می‌دهد که پیش‌تر در ده‌ها خبر از آقای کهرم به‌عنوان متخصص محیط‌زیست نام برده‌اند. در یکی از گزارش‌های این سایت از قول استاد میرجلال‌الدین کزازی از او به‌عنوان «ابرمرد بوم‌زیست ایران استاد کهرم» یاد شده است.

سخنان مشابه اظهارات آقای کهرم که اکنون مورد اتهام قرار گرفته در طول سال‌های گذشته به کرات گفته شده و هیچ‌کس آن را مجرمانه تلقی نکرده است. این فقط سخن آقای کهرم نیست بلکه سخن بسیاری از صاحب‌نظران دیگر هم هست. آیا با همه آنها باید برخورد قضایی کنید؟

فلسفه وجودی دادستانی این است که این نهاد باید مدافع حقوق شهروندان در برابر قدرت و حکومت باشد اما در ایران این جایگاه معکوس شده و اکنون به‌جای اینکه دادستانی بررسی کند که اگر ادعای آقای کهرم صحت دارد در کنار او قرار بگیرد، شاکی او می‌شود.

فرض می‌کنیم که نظر آقای کهرم و بسیاری دیگر که چون او می‌اندیشند، اشتباه است. پرسش این است که طبق کدام ماده و به چه استناد حقوقی این سخن وصف مجرمانه دارد؟ واضعان قانون اساسی به‌صراحت گفته‌اند که منظور از اصل ۲۴ قانون اساسی این است که کسی کتاب در رد سیستم جمهوری اسلامی بنویسد یا کتابی در بیان عقاید غیردینی منتشر کند. آنوقت چگونه می‌توان چنین جمله‌ای را مجرمانه دانست؟ یعنی سقف آزادی بیان آنقدر کوتاه شده و عرصه آنقدر تنگ شده که یک متخصص در حوزه خودش هم نتواند نظر متفاوتی بیان کند؟ در کجای دنیا چنین نظری که نه توهین و افتراست و نه حق کسی را پایمال کرده و از قول یک کارشناس بیان شده، وصف مجرمانه دارد و گوینده‌اش تحت تعقیب قضایی قرار می‌گیرد؟

تکرار بدیهیات حقوقی دیگر بسیار ملال‌آور شده است. اگر به‌جای اشخاص دارای علایق سیاسی، اشخاص واقعاً و کاملاً حقوقی در جایگاه‌هایی قرار می‌گرفتند که وظیفه و رسالت اصلی آنها حقوقی است، مبتلا به این همه عوارض و آسیب برای کشور و دستگاه قضایی و امنیتی نبودیم.

یادداشت وارده

اندیشه‌ای فراتر از جناح‌ها

در دفاع از استاد محمود سریع القلم



کیکاکوس پورایوبی

روزنامه‌نگار

به عنوان یک روزنامه‌نگار و دانشجوی روابط بین‌الملل تقریباً اکثر کتاب‌های استاد محمود سریع‌القلم را چه در دانشگاه و چه خارج از فضای آکادمیک و در کانال ارتباط مجازی ایشان مطالعه و رصد کردم و در ذهنم چنین می‌اندیشم: استاد، متفکری است با انضباط فکری، تفکری منسجم و بینشی فوق‌العاده نوآورانه و کنجکاوانه. هوشمندانه در حل بحران‌های جاری ایران می‌اندیشد؛ فقط مسئله طرح نمی‌کند بلکه برای حل مسئله تحلیل و راهکار ارائه می‌دهد. کسی که چهار دهه دغدغه توسعه همه‌جانبه ایران را در سر می‌پروراند قطعاً برای ترسیم پارادایم توسعه میهن آسوده نمی‌خواهد. رفاه شهروندان کشور آرزویی است که درباره آن پیوسته و مداوم به حکمرانان، الگوریتم‌های خاصی ارائه می‌کند تا حکمران با بهره‌مندی از آن، دانشی اندوخته باشد که منجر به افزایش توان و ارتقای منافع ملی شود. گفتار و نوشتارش روان و آسان است؛ چه برای دانشجویان و چه برای هدایت و راهنمایی نوع و مدل حکمرانی و مدیریتی نوین کشور.

برخلاف کسانی که مدعی هستند ایشان غربگراست اتفاقاً استاد همان اندازه که درباره آمریکا، آلمان، انگلیس، فرانسه، هلند، کشورهای اسکاندیناوی و... تحقیق دارد، درباره چین، اندونزی، سنگاپور، کره‌جنوبی، هند، مالزی، ویتنام، ژاپن نیز تحقیق می‌کند و مرتباً گزارش‌های پژوهشی ارائه می‌دهد. درست است که ایشان به پدیده مدرنیسم نظر دارد اما این، فرق دارد با رنگ باختن در فرهنگ غربی. توسعه را بیشتر در رفاه اقتصادی، تکنولوژی و فناوری پیشرفته گره زده است؛ امری که کشور و جامعه را از فقر نجات می‌دهد. گرچه این مدل توسعه با جهان درهم تنیده شده و پیشرفت جامعه درونی را پیوسته همراه و همسو با نظام بین‌المللی می‌داند و معتقد است به دور از جامعه جهانی، پیشرفت و توسعه یک کشور دشوار می‌شود و به آهستگی سقوط می‌کند اما هیچگاه تاریخ، ریشه‌های اجتماعی، فرهنگی و بافت فکری جامعه را غرق در فرهنگ غرب یا شرق نمی‌خواهد. ایران، ایران است اما می‌تواند با حفظ نوستالژی تاریخی خود از تجربه کشورهای توسعه‌یافته استفاده کند.

گرایش و دغدغه توسعه را به شدت لازمه جامعه ایران می‌داند؛ همان چیزی که اکثریت جامعه ایرانی خواستار آن هستند. مگر دنبال این نیستیم که رشد اقتصادی ۸ درصدی در سال داشته باشیم؟ تورم تک‌رقمی را تجربه کنیم؟ سیستم بانکی و مالی ما کارآمد باشد؟ اختلاس و دست‌درازی به بیت‌المال در جامعه ما محو و نابود شود؟ مگر کسری بودجه سنوایی را ناپسند نمی‌دانیم و به‌دنبال بودجه‌ریزی عملیاتی نیستیم؟ مگر آرزو نداریم که فرزندانمان به‌جای فرار از کشور و ترک آن در میهن زندگی کنند، امید داشته باشند و اشتغالی برازنده بیابند؟ مگر نمی‌خواهیم محظرت‌یست ویران کشور احیا شود؟ مگر دوست نداریم، ارزش پول ملی‌مان ارتقا پیدا کند و هر روز شاهد فروپاشی آن نباشیم؟ مگر عاشق آن نیستیم که مدیران باتجربه، حاذق، کاردار، متعهد و پاکدست در رأس امور باشند؟ مگر نباید میلیارد‌ها دلار از جامعه جهانی جذب کنیم تا زیرساخت‌های کشور را بازسازی کنیم؟ پس محمود سریع‌القلم چه گفته است که این قدر آشفته شده‌ام؟

بی‌تردید، بخش وسیعی از نابسامانی‌ها و آشفتگی‌های کشور ناشی از تصمیمات اشتباه و خطاهای راهبردی و استراتژیک مدیران ماست. سعی و خطا، عدم شناخت واقعیت‌های موجود مواجهه با صحنه‌های فرسایشی بین‌المللی و ریشه‌های بدخیم فقدان شجاعت، خلأقیت و نوآوری سال‌هاست که با ما عجین شده و همه در این منشور غلط فکری سهیم هستند. چهار دهه است که توسعه کشور در حال درجا زدن است اما طیفی، طیف دیگر را متهم می‌کند و اگر کسی بخواهد حتی به زبان علمی و با گویشی نرم خطرات موجود را گوشزد کند به غرب‌گرایی و شیفتگی به بیگانگان متهم می‌شود. امثال انسان‌های نخبه‌ای مانند سریع‌القلم در هر جای دنیا باشند، گوهری هستند که دولتمردان و حکمرانان مرتباً با آنان مشاوره و مذاقه می‌کنند و آنان را امین خود می‌دانند. سریع‌القلم با کوله‌باری از تجربه بین‌المللی و داخلی، استاد تمامی است که رنج توسعه‌نیافتگی کشور را چهار دهه است به سینه می‌کشد. نخبگان را از جامعه طرد نکنیم و چوب حراج به اندوخته اندیشمندان دردمند این جامعه نزنیم. مگر ایشان چه گفته است که این همه آشفتگی ایجاد شده؟ مگر چند نفر مانند سریع‌القلم داریم که نقد آنان را بر نمی‌تابیم؟ می‌گویند با این صحبت‌های اخیر، ایشان دچار تنزل جایگاه شده است؛ اگر این ارزیابی صحیح است، پایش جدیدی از پایگاه اجتماعی او انجام دهید تا حقیقت پنهان جامعه را بهتر رصد کنید. حتی بدون توجه به پاسخ بعدی ایشان در همان اظهارنظر اولیه نیز نمی‌توان استنتاج کرد که منظور گوینده این بوده که افراد طبقه پایین جامعه نباید عهده‌دار مناصب مدیریتی شوند؛ بلکه مقصود آن است که پله‌های مدیریتی باید آرام‌آرام و گام‌به‌گام طی شود تا مسیر به‌درستی پیموده شود وگرنه امکان آموزش از همان ابتدا سلب می‌شود و افراد فاقد تخصص و دانش به مناصبی تکیه می‌زنند که برای آینده کشور فاجعه به بار خواهد آورد.

گروه سیاسی: محسن هاشمی‌رفسنجانی، رئیس شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران در برنامه «سپهر سیاسی» خبرگزاری فارس با تأکید بر اهمیت اجرای درست قوانین، گفت که مشکل اصلی کشور نه کمبود قانون است و نه ندانستن راه‌حل بلکه «اجرا نشدن» آنهاست. او انتخابات تناسبی را فرصتی برای واقعی‌تر شدن شوراها و فعال‌تر شدن احزاب دانست و تأکید کرد که اصلاح‌طلبان بدون لیست واحد، شانس عبور از حد نصاب برای ورود به شوراها را نخواهند داشت. همزمان، هاشمی درباره آلودگی هوا و وضعیت مترو نیز با روایتی صریح، تجربه شخصی و تحلیل مستقیم خود را مطرح کرد.

تحول مثبت در شوراها

محسن هاشمی‌رفسنجانی، ارزیابی‌اش از اجرای قانون انتخابات تناسبی در تهران را مثبت دانست و تأکید کرد که اگر این قانون «درست و مطابق قانون» اجرا شود، می‌تواند فضای سیاسی شوراها را متحول کند. به گفته او، «اگر این قانون درست اجرا شود، نقش احزاب و جبهه‌های سیاسی فعال‌تر می‌شود و تأثیرگذاری آنها افزایش پیدا می‌کند». او یکی از مهم‌ترین نتایج این مدل انتخاباتی را امکان حضور اقلیت‌ها دانست: «یکی از نتایج مهم انتخابات تناسبی این است که گروه‌هایی که حتی فقط ۵ درصد رأی دارند، در شورای شهر نماینده خواهند داشت و این خودشان تضارب آرای مفیدی ایجاد می‌کند». هاشمی افزایش اختلاف‌نظر در شورا را طبیعی دانست و گفت که این اختلاف، ذات شورا بوده است: «ممکن است اختلافات در شورا هم بیشتر شود چون افراد با گرایش‌های مختلف وارد می‌شوند، هرچند شورا همیشه اختلاف‌نظر داشته است». او در جمع‌بندی‌اش از این موضوع گفت: «در مجموع، من این تحول را کاملاً به فال نیک می‌گیرم؛ فقط شرطش اجرای درست و برداشتن نظارت‌های محدودکننده در شوراهاست».

اصلاح‌طلبان و معادله انتلاف

هاشمی در پاسخ به این پرسش که اصلاح‌طلبان با لیست واحد وارد انتخابات شورای‌شهر می‌شوند یا نه، تأکید کرد که هنوز تصمیم نهایی گرفته نشده اما مسیر کلی را مشخص دانست: «در جبهه اصلاحات، کمیته راهبردی در حال بررسی نحوه ورود به انتخابات شورای‌شهر است. هنوز زود است که نظر قطعی بدهم». با این حال از نظر او پیروزی بدون انتلاف تقریباً ناممکن است: «اصولاً اگر اصلاح‌طلبان بخواهند برنده شوند، ناچارند جبهه‌ای وارد شوند؛ نه اینکه هر حزب جداگانه لیست بدهد». دلیلش هم روشن است: «با لیست‌های جداگانه، هیچ‌کدام نمی‌توانند آن حد نصاب ۵ درصد را برای ورود به شورا کسب کنند». او امیدوار است، اصلاح‌طلبان در نهایت به این جمع‌بندی برسند: «منطقی این است که جبهه‌ای وارد شوند و اگر چنین کنند، می‌توانند جایگاهی در شورا به دست بیاورند. امیدوارم این اتفاق بیفتد».

درباره مطرح شدن نام‌هایی مثل مرعشی یا آخوندی برای شورا یا حتی شهرداری، هاشمی صریح گفت که هنوز

حاشیه سیاست

خط قرمز قانون

هشدار درباره خطر کاپیتولاسیون داخلی

گروه سیاسی: در روزهای اخیر، خبر احضار مهری طالبی‌دارستانی، فعال رسانه‌ای حوزه حجاب و عضو سابق ستاد امر بمعروف، بازتاب گسترده‌ای در فضای رسانه‌ای و سیاسی کشور داشته است. او که به دلیل اظهارنظرهای جنجالی و طرح ایده «کلینیک محبیه‌سازی» شناخته می‌شود پس از انتشار اخباری درباره سکنه‌اش در داسرا و در جریان بازجویی، ادعایی که بلافاصله از سوی قوه قضائیه تکذیب شد، بار دیگر در مرکز توجه افکار عمومی قرار گرفت. احضاری که صرفاً در جایگاه «مطلع» و بدون هرگونه قرار تأمینی صورت گرفته‌اما واکنش‌های تند برخی افراد و جریان‌ها پیرامون آن، موضوع را از یک روند عادی قضایی به یک مناقشه سیاسی و حقوقی تبدیل کرد.

برخی اشخاص دارای مسئولیت مثل محمدحسین طاهری آکردی، سرپرست ستاد امر بمعروف و نهی از منکر صراحتاً اعلام کرده‌اند که اجازه احضار یا محکومیت افرادی که از نگاه آنان «مطالبه‌گران انقلابی» تلقی می‌شوند را نخواهند داد. این موضع‌گیری‌ها به‌ویژه پس از فروکش کردن جنجال‌های اولیه و

تصمیمی گرفته نشده و برخی ایده‌ها بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد: «بعضی احزاب پیش‌نهاد داده‌اند که هنگام ارائه لیست شورا، نام شهردار پیشنهادی را هم اعلام کنند... اما این فقط در حد بحث است و هنوز تصویب نشده است».

نه‌کاندیدای شورا می‌شوم و نه شهردار

محسن هاشمی‌رفسنجانی، شایعات درباره حضور خودش را شفاف پاسخ داد: «بنده در انتخابات پیش‌رو کاندیدای شورای شهر نمی‌شوم، شهردار هم نمی‌توانم بشوم چون بازنشسته هستم». او یادآوری کرد که اساساً شهردار بعد از تشکیل شورا انتخاب می‌شود و طرح نام شهردار در زمان انتخابات، «بیشتر یک ابزار تبلیغاتی» است. او در توضیح اینکه چرا در دوره‌ای که اصلاح‌طلبان چند شهردار عوض کردند، خودش شهردار نشد به ملاحظات ترکیب شورا اشاره کرد: «من چهار سال در شورا بودم و برای استعفا باید دوسوم اعضای شورا رأی بدهند. اعضا مخالف خروج من بودند؛ نه اینکه با خود من مخالف باشند بلکه



می‌خواستند، ریاست شورا در همان ترکیب بماند». هاشمی توضیح داد که خروج او می‌توانست توازن شورا را به هم بزند: «اگر من خارج می‌شدم، نفر علی‌الدبل مثل آقای چمران یا بعد از او آقای دبیر وارد شورا می‌شد و یکدستی‌ای که آنها در شورا داشتند از بین می‌رفت». او تأکید کرد شخصاً طرفدار پلورالیسم است اما آن مقطع را یک تصمیم پیچیده می‌داند: «می‌دانستم اگر فرد دیگری وارد شورا شود، انسجام آن ۲۰ نفر باقی‌مانده بیشتر می‌شد و ساختار کارآمدتر می‌ماند».

قانون بدون اجرا

در بخش دیگری از گفت‌وگو، هاشمی بحث آلودگی هوا را «یک معضل جهانی» توصیف کرد: «بحث آلودگی هوا یک مشکل جهانی است و فقط مخصوص ایران نیست». او با اشاره به مصرف عظیم سوخت در جهان گفت که همه اینها آلاینده‌اند و ایران به دلیل قیمت بسیار پایین سوخت، وضعیت بدتری دارد. او آمار مصرف را هشداردهنده دانست: «پیک مصرف بنزین در ایران

به ۱۳۹ تا ۱۴۰ میلیون لیتر رسیده و متوسط مصرف ۱۲۰ میلیون لیتر در روز است. همین مقدار نیز گازوئیل مصرف می‌کنیم». به باور هاشمی، ارزانی سوخت باعث بی‌توجهی به مصرف شده: «وقتی چیزی ارزان است، ارزشش دانسته نمی‌شود». او تجربه اروپا را مثال زد: از کاهش تعداد سفرها تا بهینه‌سازی مصرف خودرو و حرکت به سمت برق و گاز. به گفته او، «در فرانسه مالیات سوخت از درآمد ایران از نفت بیشتر است» و این سیاست‌ها به‌طور مستقیم مصرف را کنترل می‌کند.

نسخه‌ای که اجرا نشد

هاشمی تأکید کرد که راه‌حل کلانشهرها روشن است: «اکثر پایتخت‌ها و کلانشهرها ۷۰ درصد تردها را به سمت حمل‌ونقل عمومی هدایت می‌کنند». به گفته او، تهران هم باید «حدود ۱۵ میلیون سفر» را با حمل‌ونقل پاک انجام دهد. اما مشکل اصلی را جای دیگری می‌بیند: «آنچه در ایران اتفاق افتاده این است که ما قوانین خوبی می‌نویسیم ولی آنها را اجرا نمی‌کنیم. در اجرای قوانین حدود ۳۰ درصد موفق هستیم». از نظر او، این معضل فقط محدود به آلودگی هوا نیست و به یک الگوی کلی در حکمرانی برمی‌گردد. او یادآوری کرد که قانون هوای پاک با مسئولیت ۲۵ دستگاه تصویب شده، اما نتیجه ملموسی نداشته است و درباره اتوبوس‌ها گفت: «طبق قانون اتوبوسرانی، تهران باید ۹۰۰۰ اتوبوس برقی داشته باشد... درحالی که تازه اسمال حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ اتوبوس برقی وارد شده است».

روایت توقف و بدهی

بخش دیگری از سخنان هاشمی، مربوط به مترو بود: «۱۰ سال است هیچ واگن جدیدی به مترو تزریق نشده است؛ درحالی که باید اکنون حدود ۴۰۰۰ واگن داشته باشیم». او با مرور تاریخ مترو از توقف پروژه در اوایل انقلاب تا نقش آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در احیای آن گفت و تأکید کرد که اگر آن پیگیری‌ها نبود، «مترو امروز شکل نمی‌گرفت». به گفته او، «در دوره مدیریت من ۱۵۰۰ واگن مترو خریداری و وارد شد اما از آن زمان تا امروز حتی یک واگن هم اضافه نشده است». این در حالی است که طبق قانون باید سالانه حداقل ۵۰۰ واگن ساخته می‌شد. او رقم بدهی دولت به حمل‌ونقل عمومی را بسیار سنگین دانست: «از ۸۶ تا امروز حدود ۲۰ سال گذشته و این رقم به حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بدهی دولت به حمل‌ونقل عمومی رسیده است». هاشمی این وضعیت را «یک تخلف بسیار بزرگ در سطح ملی» توصیف کرد و گفت دولت‌ها، مجلس و نهادهای نظارتی همگی در این قصور سهیم دارند. در پایان، هاشمی تأکید کرد: «مقصر یک دوره یا یک فرد خاص نیست؛ بلکه ساختار کشور به‌طور کلی در این حوزه دچار مشکل بوده است». او واردات اتوبوس و تاکسی برقی در دوره جدید را «اقدام درستی» دانست اما هشدار داد که بدون حمایت پایدار دولت و اجرای قانون، این اقدامات مقطعی خواهد ماند.

تبدیل آن به بحران سیاسی، این شائبه را تقویت کرده که هدف اصلی، اعمال فشار بر قوه قضائیه و مرعوب‌سازی آن در رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با یک جریان خاص است. در این میان، استاد برخی افراد به قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر نیز محل تأمل است؛ چراکه طبق ماده ۶ این قانون، امر به معروف و نهی از منکر به‌هیچ‌وجه مجوز ارتکاب اعمال مجرمانه مانند توهین، افترا یا خشونت نیست و در صورت وقوع چنین اعمالی، مرتکب باید طبق قانون مجازات شود.

عدم برخورد قاطع و یکسان با تهدیدها و فشارهای علنی علیه دستگاه قضایی می‌تواند این پیام را به جامعه منتقل کند که برخی افراد یا جریان‌ها از حاشیه‌ام قضایی برخوردارند و این امر، اعتماد عمومی به عدالت و بی‌طرفی نظام حقوقی را تضعیف می‌کند. اکنون فرصتی است تا قوه قضائیه میزان پایبندی نظام به حاکمیت قانون و برابری همگان در برابر آن را به‌روشنی نشان دهد و امید می‌رود، دستگاه قضایی با اتخاذ رویکردی قانونی و مستقل، اجازه ندهد اصل بنیادین تساوی در برابر قانون خدشه‌دار شود.

نماینده‌ای نداریم!

دولت طالبان در نشست تهران شرکت نمی کند

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل



امارت اسلامی افغانستان در نشست نمایندگان ویژه کشورهای منطقه که به‌زودی به میزبانی تهران برگزار می‌شود، نماینده‌ای نخواهد داشت. حافظ ضیاء احمد نکل، رئیس اطلاعات و روابط عمومی وزارت خارجه طالبان، با اعلام این خبر گفت که اگرچه از افغانستان برای شرکت در این نشست دعوت به‌عمل آمده اما امارت اسلامی تصمیم گرفته در آن حضور نداشته باشد. به گفته وی، طالبان ترجیح می‌دهد، تعاملات منطقه‌ای خود را نه از طریق نشست‌های چندجانبه موردی بلکه از مسیر سازمان‌های منطقه‌ای، فرمت‌های شناخته‌شده و مکانیسم‌های دوجانبه دنبال کند؛ رویکردی که به باور این گروه، کارآمدتر و منطبق‌تر با منافع افغانستان است.

تکلی با تأکید بر اینکه امارت اسلامی در سال‌های اخیر روابط فعال و مستمری با کشورهای منطقه برقرار کرده، اظهار کرد که کابل توانسته در زمینه گسترش تفاهم و همکاری‌های منطقه‌ای به پیشرفت‌های عملی و ملموسی دست یابد. وی افزود: وزارت خارجه افغانستان تمرکز خود را بر تقویت فرمت‌های موجود منطقه‌ای قرار

داده و معتقد است، تداوم این مسیر می‌تواند به توسعه همکاری‌های پایدار و افزایش سطح اعتماد میان کشورهای همسایه منجر شود. از نگاه طالبان، تعاملات هدفمند دوجانبه و منطقه‌ای، ابزار مؤثرتری برای مدیریت مسائل امنیتی، اقتصادی و سیاسی افغانستان به‌شمار می‌رود. در مقابل، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران از برگزاری این نشست به‌عنوان ابتکاری منطقه‌ای برای گفت‌وگو و تبادل نظر درباره تحولات افغانستان یاد می‌کند. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، پیش‌تر اعلام کرده بود که این نشست حاصل رایزنی‌های مستمر ایران با کشورهای همسایه ازجمله پاکستان و افغانستان و دیگر بازیگران منطقه‌ای است. وی با اشاره به اهمیت بنیادین امنیت و ثبات در محیط همسایگی ایران، تأکید کرده است که تهران کاهش تنش‌ها و تقویت تفاهم میان کشورهای منطقه را یکی از اولویت‌های سیاست خارجی خود می‌داند و در این مسیر از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد.

به گفته بقایی، این نشست در هفته پیش‌رو با حضور نمایندگان ویژه امور افغانستان از کشورهای پاکستان، تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، چین و روسیه در تهران برگزار می‌شود. هدف از این گردهمایی، بررسی آخرین تحولات افغانستان و هم‌اندیشی درباره راهکارهای منطقه‌ای برای تقویت ثبات و همگرایی است. ایران

خاورمیانه

چرخش تازه لبنان چرا بیروت دعوت تهران را رد کرد؟

گروه بین‌الملل: روابط تهران و بیروت در روزهای اخیر وارد مرحله‌ای حساس و چندلایه شده است؛ مرحله‌ای که همزمان نشانه‌هایی از تلاش برای گفت‌وگو و بازتعریف مناسبات را در خود دارد و در عین حال زیر فشار شدید معادلات داخلی لبنان، تهدیدهای اسرائیل و خواسته‌های آمریکا قرار گرفته است. مجموعه این تحولات، بار دیگر نام ایران، حزب‌الله و آینده موازنه قدرت در لبنان را به کانون توجه تحولات منطقه‌ای بازگردانده است.

آغاز این فصل جدید با پیام سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، به همتای لبنانی‌اش رقم خورد؛ پیامی که در آن تهران ضمن تأکید بر اصل عدم مداخله در امور داخلی لبنان از یوسف رجی دعوت کرد به ایران سفر کند. این پیام در ظاهر حامل نشانه‌ای از تمایل ایران برای حفظ و تقویت روابط دیپلماتیک با دولت لبنان بود اما پاسخش بیروت از پیچیدگی فضای حاکم بر این روابط حکایت داشت. یوسف رجی، وزیر خارجه لبنان ضمن عذرخواهی از رد این دعوت، اعلام کرد که عدم پذیرش سفر به تهران به معنای رد گفت‌وگو نیست بلکه «فضای مناسب» برای چنین سفری فراهم نیست. او در عین حال پیشنهاد داد، دیدار وزرای خارجه دو کشور در کشوری ثالث و مورد توافق انجام شود. رجی تأکید کرد، لبنان آماده آغاز «دوره‌ای جدید از مناسبات سازنده» با ایران است مشروط بر آنکه این روابط منحصرأ بر پایه احترام متقابل، حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی کشورها بنا شود.

مواضع رجی، با توجه به جایگاه سیاسی او، اهمیت دوچندان دارد. وی از اعضای حزب «الکتاب اللبانی» و از چهره‌های نزدیک به جریان‌های مخالف حزب‌الله است. او صراحتاً اعلام کرده که ساختن یک لبنان قوی، تنها از مسیر انحصار سلاح در دست ارتش ملی و واگذاری تصمیم‌گیری درباره جنگ و صلح به دولت می‌گذرد؛ موضعی که به‌طور مستقیم، حزب‌الله و نقش آن در معادلات امنیتی لبنان را هدف قرار می‌دهد. با این حال، رجی در پایان سخنانش تأکید کرد که لبنان همواره از سفر عراقچی به بیروت استقبال خواهد کرد.

پاسخ تهران به این مواضع، سریع و حساب‌شده بود. عراقچی در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس ضمن قدردانی از دعوت وزیر خارجه لبنان برای سفر به بیروت از تصمیم او برای رد دعوت متقابل ایران ابراز شگفتی کرد و نوشت که وزرای خارجه کشورهای با روابط کامل دیپلماتیک، نیازی به دیدار در «محل بی‌طرف» ندارند. با این حال او با اشاره به اشتغالگری اسرائیل در لبنان و نقض مکرر آتش‌بس اعلام کرد که دلایل عدم سفر همتای لبنانی به تهران را درک می‌کند و دعوت برای سفر به بیروت را با کمال میل می‌پذیرد. عراقچی همچنین تصریح کرد که ایران نیز خواهان «فصلی جدید» در روابط دوجانبه است؛ فصلی که بر همان اصول احترام متقابل و حاکمیت ملی استوار باشد.



تنش‌ها تنها به این موارد محدود نمانده است. روزنامه «الاحبار» اخیراً گزارش داده که پس از انتصاب احمد سويدان به‌عنوان سفیر لبنان در ایران، تهران مطابق روال دیپلماتیک، نام سفیر پیشنهادی خود برای بیروت را ارسال کرده اما این روند در وزارت خارجه لبنان متوقف شده است. براساس این گزارش، یوسف رجی نام سفیر پیشنهادی ایران را بدون طی تشریفات قانونی نگه داشته و آن را به هیأت دولت یا کاخ ریاست‌جمهوری ارائه نکرده است؛ اقدامی که به نوشته الاحبار، مغایر با عرف دیپلماتیک لبنان است و عملاً مانع اعزام سفیر جدید ایران به بیروت شده است. این روزنامه مدعی است که این رویکرد، ناشی از تصمیمی سیاسی در سطح حزب «القوات اللبانی» برای افزایش سطح تقابل با ایران است.

با این حال، تحولات اخیر نشان می‌دهد که رویکرد جدید بیروت در قبال تهران، صرفاً یک تصمیم دیپلماتیک ساده نیست بلکه به‌شدت تحت‌تأثیر فشارهای غربی و عربی برای خلع سلاح حزب‌الله قرار دارد. یوسف رجی پیش‌تر در گفت‌وگو با شبکه العربیه گفته بود که «تصمیم نهایی درباره اینکه حزب‌الله سلاح‌های خود را زمین بگذارد، در دست ایران است»؛ اظهارنظری که واکنش‌های زیادی را به‌دنبال داشت. او در عین حال تأکید کرده که لبنان در شرایط فعلی بسیار دور از امضای هرگونه توافق صلح با اسرائیل است.

رجی همچنین بارها بر این نکته تأکید کرده است که جامعه بین‌المللی تنها در صورتی لبنان را جدی خواهد گرفت که دولت بتواند کنترل خود را از طریق انحصار سلاح و تسلط نیروهای قانونی بر

امیدوار است این ابتکار بتواند، نقشی مؤثر در نزدیک‌تر شدن دیدگاه‌های کشورهای منطقه و کاهش سوءتفاهم‌ها ایفا کند.

محمدرضا بهرامی، دستیار وزیر و مدیرکل آسیای جنوبی وزارت امور خارجه نیز تصریح کرد که با وجود تنش‌های موجود میان افغانستان و پاکستان، موضوع میانجیگری در دستورکار نشست تهران قرار ندارد. میزبانی تهران از این نشست در عین حال حامل پیام روشنی درباره رویکرد ایران نسبت به همسایگان خود است. ایران بر اهمیت استقلال، حاکمیت، ثبات و امنیت کشورهای همجوار ازجمله افغانستان تأکید دارد و در کنار دیگر کشورهای منطقه از تلاش‌های رهبران افغانستان برای دستیابی به صلح، آرامش و پیشرفت حمایت می‌کند. خروج غیرمسئولانه کشورهای غربی از افغانستان به باور بسیاری از تحلیلگران، فرصتی فراهم کرده تا گروه‌ها و جریان‌های



اثرگذار افغان با گفت‌وگوهای دلسوزانه و بدون دخالت خارجی، مسیر استقلال و آبادانی کشور خود را هموار کنند.

افغانستان در دهه‌های گذشته به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی خاص، طمع‌ورزی قدرت‌های جهانی، درگیری‌های داخلی و اشتغالگری همواره با بی‌ثباتی و فقر دست‌وپنجه نرم کرده است. طبیعی است که راه برون‌رفت از این چرخه معیوب، اتحاد گروه‌های افغانی و نخبگان سیاسی و اجتماعی این کشور حول منافع ملی باشد. در مقابل، بی‌توجهی به شرایط حساس کنونی و نادیده گرفتن ضرورت همگرایی داخلی، می‌تواند بار دیگر افغانستان را به سوی جنگ داخلی، مداخله بازیگران خارجی و بی‌ثباتی گسترده سوق دهد؛ مسیری که پیامدهای آن نه‌تنها برای مردم افغانستان بلکه برای کل منطقه پرهزینه خواهد بود.

دیپلماسی

به‌واقعیت نگاه کنیم

برنامه هسته‌ای در ذهن ایرانی‌هاست

محمدجواد ظریف، وزیر خارجه اسبق کشورمان و بنیانگذار مؤسسه پایاب که برای حضور در مراسم رونمایی از ترجمه عربی کتاب پایاب شکیبایی با عنوان عربی «صمود الدیپلوماسیه» به عراق سفر کرده بود، در پتل دیپلماسی «در زمان جنگ و آینده منطقه» سخنرانی کرد. ظریف درباره جنگ ۱۲ روزه و ادعاهای «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران تصریح کرد: بیایید به واقعیت نگاه کنیم. وقتی آمریکا می‌خواست به ایران حمله کند، تمام پایگاه‌های خود در منطقه را تخلیه کرد. آیا این نشان‌دهنده ضعف (ایران) است؟ آیا آمریکا در مواجهه با یک کشور ضعیف، تمام پایگاه‌های خود را تخلیه می‌کند؟ اما این تبلیغات اسرائیل و تبلیغات ترامپ است. ترامپ گفت که آمریکا برنامه هسته‌ای ایران را به‌طور کامل از بین برد! برنامه هسته‌ای ما در ذهن ما، در ذهن ایرانی‌هاست، به همین دلیل است که آنها سعی می‌کنند، دانشمندان ایرانی را به شهادت برسانند. آنها موفق نخواهند شد و نخواهند توانست، مقاومت ما را از بین ببرند. آنها نخواهند توانست دانشمندان و دانش ما را از بین ببرند. وی درباره ریشه‌های تمدنی ایران و عراق گفت: عراق و ایران تاریخی دارند که به گذشته‌های دور برمی‌گردد، زمانی که آمریکایی‌ها همدیگر را می‌خوردند، ما اینجا تمدن داشتیم، سومر، بابل و امپراتوری ایران. ظریف در بخشی از سخنان خود در این نشست با اشاره به جنایت‌های اسرائیل در منطقه اظهار کرد: در گذشته اسرائیلی‌ها وانمود می‌کردند که مشکل ایران است و آنها با ایران می‌جنگند اما امروز آنها در سوریه همچنان می‌جنگند. چرا آنها امروز به سوریه حمله می‌کنند؟ آیا ایران در سوریه حضور دارد؟ این یکی از نمونه‌هایی است که به‌طور دقیق به شما می‌گوید ریشه‌های مشکل در منطقه ما چیست. وی درخصوص صحبت در مورد آینده گفت: می‌توانیم کارهای زیادی انجام دهیم. من پیشنهادی را در مجله اکونومیست ارائه دادم و آن را «موت» نامیدم که به معنای انجمن گفت‌وگوی غرب آسیای مسلمان است. به جای خصومت در مورد دوستی و برادری صحبت می‌کنیم.



یاد

یادنامه‌ای در راه

کامران فانی به روایت چهره‌های شاخص فرهنگی



بهاء‌الدین خرمشاهی، ادیب و حافظ‌شناس برجسته و از دوستان کامران فانی در گفت‌وگو با ایننا ضمن ابراز تأسف از درگذشت کامران فانی از آن مرحوم به عنوان ادیبی شاخص و تلاش‌گر یاد کرد و گفت: «من و فانی استادان مشترک زیادی داشته‌ایم که از آن‌ها تنها یک زوج دانشمند و ادیب، مهدی محقق و نوش‌آفرین انصاری، مانده‌اند. محقق درس‌های ماندگاری از ادبیات به ما آموخت و انصاری نیز به ما مرجع‌شناسی را به تمام و کمال یاد داد.» خرمشاهی با بیان این‌که در تدوین سه اثر شامل دایره‌المعارف تشیع، فرهنگ موضوعی قرآن و دانش‌نامه دانش‌گستر با فانی همکاری بوده است، توضیح داد: «دایره‌المعارف تشیع را از حدود سال ۱۳۶۱ تا ۱۴۰۱ یعنی با صرف ۴۰ سال عمر تهیه کرده‌ایم. من و کامران فانی و سیدمهدی حائری‌قزوینی از جمله نویسندگان این دایره‌المعارف بوده‌ایم که هر سه از قزوین برخاسته‌ایم. مرجع دیگر فرهنگ موضوعی قرآن به زبان عربی است. این کتاب در واقع کشف‌المطالب‌القبایی یا فهرست موضوعی قرآن است و به روش‌القبایی (ابجدی) تنظیم شده است. دیگری نیز دانش‌نامه دانش‌گستر است که با همکاری علی رامین، کامران فانی و محمدعلی سادات تهیه شده و ۱۸ جلد دارد. بحث ایران و اسلام این دانش‌نامه را فانی برعهده داشت و من با نگارش مقالاتی در آن مرجع همکاری داشتم.»

خرمشاهی تأکید کرد: «برای قدردانی از تلاش‌های کامران فانی و زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره او در نظر داریم، یادنامه‌ای ۵۰۰ صفحه‌ای تهیه و منتشر کنیم و از عام و خاص دعوت می‌کنم تا ابتدای بهمن یادداشت و مقاله خود را برای درج در این اثر ارسال کنند.» او هم‌چنین به مهارت خاص فانی در ترجمه اشاره کرد و گفت: «امثال من، سعید حمیدیان و حسن انوشه مرهون راهنمایی‌های فانی در حوزه ترجمه هستیم.» و به ذکر خاطراتی شیرین از فانی در مراسم بزرگداشت او اشاره کرد و گفت: «چند سال پیش جلسه‌ای برای بزرگداشت فانی به همت علی دهباشی در موقوفات دکتر افشار برگزار شده بود. آن روز من از احوالات ناخوش زندگی ملول بودم ولی پشت تریبون رفتم تا خاطره‌ای شیرین و طنز از فانی بیان کنم. چنان به ذوق آمدم که ۱۰ خاطره بازگو کردم.»

مصادیق یکتای کتاب‌دار اجتماعی



بهرم. در کلاس‌های کارشناسی‌ارشد کتاب‌داری در دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۰ با ایشان آشنا شدم. مصداق یکتای کتاب‌دار اجتماعی بودند؛ یعنی به آن تبدیل شدند. این رشته را دوست داشتند. هیچ سوالی را بدون پاسخ نمی‌گذاشتند. تا آن‌جایی که در توان‌شان بود به همه کمک می‌کردند. ایسن یکی از ویژگی‌های بسیار برجسته کامران فانی است که متخلق به اخلاق بودند و به پاسخگوایی به جامعه پایبند. در همان زمان، وقتی مسئولیت «کمیته آموزش انجمن کتاب‌داری ایران» را بر عهده داشتیم؛ فانی، عضو این کمیته بود. بارها بارها برای برنامه‌ریزی این کمیته که نخستین‌بار پیام «کتاب‌داری نوین» را به شهرستان‌ها می‌برد یا هم جلسه داشتیم. ایشان پیشنهاد کردند، فهرست «صد کتاب مناسب» را تدوین کنند. این جزوه منتشر شد. اگر اشتباه نکنم

مدیریت برنامه دوره همدان به عهده ایشان بود و تمام امور مربوط به آن دوره را اداره کردند و ما در خدمت ایشان بودیم.» انصاری به خاطره‌ای از کامران فانی، اشاره و بیان کرد: «فراموش نمی‌کنم از پنجره دانشگاه علوم تربیتی که آن زمان پایین‌تر از خیابان توحید بود، وانت باری را بار زدن، با بسته‌های کتاب و به اصطلاح کتابخانه بسیاری که به شهرستان‌ها می‌فرستادیم. ایشان برای من از بالای پنجره دست تکان داد. کامران فانی، همه کارهای دوره را خودشان انجام دادند و این خاطره، که دست تکان دادند، هیچ‌وقت از ذهن من زوده نشده است.» او درباره دیگر ویژگی‌های علمی و اخلاقی کامران فانی، گفت: «ایشان کتاب‌شناس برجسته‌ای بودند؛ کتابخانه بسیار ممتازی هم داشتند و دارند.» انصاری، با تأکید بر حفظ کتابخانه ارزشمند زندیاد کامران فانی، گفت: «ایشان کارمند کتابخانه ملی بود. ارادت و ویژه‌ای به پوری سلطانی داشتند. همه، کامران فانی را دوست داشتند برای همین فکر می‌کنم باید کتابخانه ایشان به کتابخانه ملی انتقال پیدا کند و تالاری به نام کامران فانی نام‌گذاری شده و کتاب‌های ایشان طبعاً فهرست‌نویسی شود و در مجموعه قرار بگیرد. باید جایی باشد که تمام علاقه‌مندان به کتاب، کتاب‌داری و کتاب‌داری اجتماعی بتوانند، کتاب‌ها را بخوانند. صدای ایشان را بشنوند. فکر می‌کنم سخنرانی‌های کامران فانی باید در دسترس باشد و علاقه‌مندان بتوانند از صدایش وقتی درباره کتاب و شخصیتی صحبت می‌کرد، بهره‌مند شوند. امیدوارم با مدیریت کتابخانه ملی، آقای دکتر غلامرضا امیرخانی، که خود را شاگرد فانی می‌داند، این موضوع جامه عمل بگیرد و ایسن اتفاق برای ایران و جامعه فرهنگی انجام نشود تا بتوانند فانی را همیشه در جمع، در دل و ذهن خودشان داشته باشند.»

آقای کتاب



دکتر سیدمصطفی محقق‌داماد در شب «کامران فانی» که ۱۰ اسفند ۱۳۹۴ توسط مجله «بخارا» در بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار برگزار شد، در توصیف خصایل کامران فانی گفت: «تنها نکته‌ای که می‌توانم بگویم این است که اگر آقای فانی را ببینید چه چیزی را به خاطر می‌آوردید؟ من اگر کامران فانی را ببینم اولین چیزی که به خاطر می‌آورم، کتاب است. خیلی جالب است که آدم شخصیتی شود که نامش، یادش و چهره‌اش همراه کتاب باشد. اولین باری که حدود سی‌وچند سال قبل با ایشان برخورد کردم، برایم جالب بود که کسی این‌طور از هر دری که سخنی به میان آید، اطلاع دارد. ما در قم بزرگ شده بودیم و در دانشگاه اشخاص بسیاری دیده بودیم اما من کمتر با این‌طور افراد برخورد کرده بودم که از هر دری سخنی بگویم، مطلع باشد. در قم عده‌ای فقیه و برخی فیلسوف و ... هستند. در تهران عده‌ای ادیب بودند اما آقای فانی از تاریخ و فلسفه اسلامی و فقه و ... اطلاع دارد! جمله‌ای که در زندگی از او شنیدم، این بود: روزی به او گفتم که آقای فانی چرا کم می‌نویسید و آثارتان کم است؟ جدی جواب داد که فرصتی نیست! آنقدر کتاب هست و باید بخوانم که دیگری زمانی برای نوشتن باقی نمی‌ماند. باید قدر این افراد کم‌نظیر را دانست و این اغراق نیست. قدیم‌ها برای هر شخصی، واژه علامه را به کار نمی‌بردند. این روزها در کاربرد این عناوین بذل و بخشش فراوان است. به هر صورت در مورد جناب آقای فانی اگر این واژه را به کار ببرم، گراف نگفته‌ام که او یک دانشمند است.»

باقی در فرهنگ و کتاب

کامران فانی فرهنگ‌نویس و کتاب‌دار برجسته در ۸۱ سالگی درگذشت

نخستین تجربه کتاب‌داری و مؤانست با کتاب باعث شد که سال‌های بعد نیز مجالست با کتاب بخش مهمی از زندگی فانی شود. کامران فانی سال ۱۳۴۱ وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد، اما پس از دو سال تغییر رشته داد، تا در رشته زبان و ادبیات فارسی درس بخواند. او محضر بزرگان آن روز دانشکده ادبیات از جمله عبدالحسین زرین‌کوب، ذبیح‌الله صفا، دکتر حسن مینوچهر، پرویز نائل خانلری، بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال‌الدین همایی و بهرام فره‌وشی بهره برد. را درک کرد و با تعدادی از شخصیت‌هایی که امروز از نام‌آوران فرهنگ هستند هم‌کلاس بود و سال ۱۳۴۸ به همراه قدمعلی سرامی، بهاء‌الدین خرمشاهی، سعید حمیدیان، حسن انوشه و جواد برومند سعید از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. پس از آن‌که لیسانس گرفت، به خدمت سرسازی رفت و در دوره سرسازی هم کتاب‌خوانی را میان سرایان و درجه‌داران نظامی اشاعه داد. در روزهای تنش میان ایران و عراق در دهه ۱۳۴۰، به دلیل اختلاف‌های مرزی، فانی در مرز با عراق در چادری که برای سرایان در نظر گرفته شده بود، به سرایان کتاب می‌داد تا از اوقات خود بهتر بهره ببرند. از همان روزها، فانی کتاب‌های زیادی را به فارسی و انگلیسی میان سرایان پخش کرده بود و همه کتاب می‌خواندند و بعد از خواندن کتاب، هر یک دنبال کتاب جدید بودند. بعد از اتمام سرسازی فانی آن کتاب‌خانه را اهدا کرد.

کامران فانی از پیشگامان تحصیل در دوره تازه‌تأسیس کتاب‌داری در ایران بود. سال ۱۳۵۲ از دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران فوق‌لیسانس علوم کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی گرفت و از سال ۱۳۵۹ در کتابخانه ملی ایران شروع به کار کرد و عضو هیأت علمی، مشاور ریاست و عضو شورای عالی مشاوران این کتاب‌خانه بود. فانی هم‌چنین عضو هیأت امنای کتاب‌خانه مجلس و عضو شورای عالی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی نیز بود. می‌توان گفت کامران فانی بعد از عبور از ۳۰ سالگی، بیشتر هم خود را به آموزش و تدوین «سرعنوان‌های موضوعی فارسی» معطوف کرد. او طی سالیان طولانی و بالغ بر ۳۰ سال استاد راهنما و استاد مشاور در پایان‌نامه‌های مربوط به کتاب‌داری بود.

کامران فانی، ادیب، مترجم، کتاب‌شناس و فرهنگ‌نویس برجسته که چند سالی بود درگیر آلزایمر شده بود، روز جمعه در بیمارستان سینا درگذشت. اواسط مهرامسال که خبر حضور کامران فانی در مرکز نگهداری سالمندان کرج منتشر شد، نگرانی بسیاری از چهره‌های فرهنگی را در پی داشت. با پیگیری و تلاش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و چند نهاد دیگر، از جمله سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مقدمات انتقال استاد کامران فانی به بیمارستان برای بررسی وضعیت جسمانی ایشان انجام شد و سرانجام دیروز در ۸۱ سالگی، زندگی این چهره برجسته فرهنگی به پایان رسید. مراسم تشییع پیکر زندیاد کامران فانی دوشنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۴ ساعت ۹:۳۰ صبح از محل سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران به سمت قطعه نام‌آوران بهشت‌زهر(اس) برگزار خواهد شد.

کامران فانی از جمله شخصیت‌هایی بود که عمر خود را سال‌ها به پای کتاب گذاشت. او نه تنها کتاب‌شناسی متبحر بلکه مترجم و مولف پرکاری نیز بود. کارنامه فانی مملو از آثاری است که تألیف و ترجمه کرده است. زندیاد فانی از جمله کسانی بود که کتاب‌داری مدرن را در ایران ترویج کرد و کتاب‌داری که اینک جزو یکی از تخصص‌های مهم در حوزه فرهنگ محسوب می‌شود از جمله تلاش‌های اوست. فانی به‌واسطه تلاش‌های گسترده‌ای که در حوزه کتاب داشت در تألیف، تدوین و راه‌اندازی، ویرایش و سرپرستی دانشنامه‌های مهمی چون «دانش‌گستر» و «دایره‌المعارف تشیع» سهیم بود.

کتاب‌داری در دبیرستان و سرسازی

کامران فانی ۲۵ فروردین ۱۳۲۳ در دارالجنه قزوین به دنیا آمد و از دوره دبیرستان کتاب‌دار و فهرست‌نویس شد! هنگامی که در سیکل دوم دبیرستانی در قزوین بود، فرد خیری کتاب‌خانه‌ای به مدرسه‌شان هدیه کرده بود و این کتابخانه نسبتاً بزرگ هیچ سر و سامان نداشت و فانی این کتاب‌خانه را با درک و شناخت خود در آن سن و سال از کتاب فهرست‌نویسی کرد. برای هر کتاب شماره‌ای برگزید سپس مطابق آن فهرست و تقاضای دانش‌آموزان کتاب‌ها را در اختیارشان قرار داد. این

مستند

بدون سانسور

مستند رویای ناتمام به تیم ملی فوتسال زنان می‌پردازد

مستند «روای ناتمام» روایتی از فراز و نشیب‌های تیم ملی فوتسال بانوان ایران را به تصویر می‌کشد که در نوزدهمین جشنواره سینماحقیقت به‌نمایش درآمده است. این فیلم ۹۰ دقیقه‌ای به کارگردانی سارا طالبیان و با حضور بازیکنان تیم ملی به‌عنوان بازیگران اصلی پس از حدود سه سال پیگیری و انتظار برای کسب مجوز، سرانجام با حمایت سازمان سینمایی سوره، فدراسیون فوتسال و معاونت زنان ریاست‌جمهوری تولید شد. جالب اینجاست که این سازمان حامی اصلی تولید این اثر بوده و ایسن طرح را به کارگردان پیشنهاد داده است. با اینکه مسابقات فوتسال زنان همچنان ممنوعیت پخش از مراجع رسمی دارد و در انتهای مستند هم به این ممنوعیت اشاره می‌شود، حمایت سازمان سینمایی سوره که زیرمجموعه سازمان تبلیغات اسلامی است از چنین مستندی که به یکی از ورزش‌های زنان که ممنوعیت پخش از رسانه‌های رسمی دارد، می‌پردازد؛ نکته قابل‌توجهی است.

«روای ناتمام» درباره تیم ملی فوتسال بانوان، تنها تیم گروهی ورزشی بانوان است که موفق شده در دو دوره متوالی ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸ قهرمان آسیا شود. از سال ۲۰۱۸ به بعد تورنمنت آسیای برگزار نمی‌شود و فوتسال بانوان در حال نابودی است تا اینکه پس از ۷ سال فیفا تصمیم می‌گیرد برای بار سوم این تورنمنت را در اردیبهشت ۲۰۲۵ برگزار کند؛ حال پس از ۷ سال از سه نسل مختلف ۶۰، ۷۰ و ۸۰ قرار است که خود را به مربی ثابت کنند و در یک رقابت سنگین در لیست ۱۶ نفره مربی جهت اعزام به تورنمنت چین قرار بگیرند. در واقع در این مستند برای اولین بار تصویری نسبتاً کامل از مسابقات فوتسال میان تیم ملی ایران و تیم‌های خارجی پخش می‌شود. کاستی‌ها و نابرابری‌های میان تیم ایران و تیم‌های بین‌المللی به نمایش درمی‌آید و مشکلات بانوان فوتسالیست، مربیان، فدراسیون فوتسال و ... به تصویر کشیده می‌شود. رفتن به سوی

چنین سوژه‌ای آن هم از سوی نهاد دولتی زیر نظر سازمان تبلیغات اسلامی، جای شگفتی و البته تقدیر دارد. چراکه مستند فاقد وجوه سفارشی است و عدم حمایت‌ها و کمبودها را هم به‌رحتی به تصویر درمی‌آورد و از شکست‌ها و باخت‌های تیم پس از چند پیروزی





مجوز بی سروصدا به رپ فارسی

پس از کارناوال و آلبوم شروین، برنامه **گنگ** هم به موسیقی پرداخت

مخالفت‌های بسیاری با پخش آن صورت گرفته و رسانه‌های تندرو، ساترا را برای انتشار این برنامه به‌شدت مورد انتقاد قرار دادند و پس از انتشار اولین قسمت با اجرای محمدرضا شایع، وارد دایره حاشیه‌های نظارتی، حقوقی و سیاسی شد.

همزمان با اوج گرفتن حاشیه‌ها، پلتفرم نماوا نیز بیانیه‌ای منتشر کرد و در اقدامی کم‌سابقه، ضمن «تبریک» به فیلمو بابت جسارت در تولید برنامه‌ای درباره رپ، به اختلافات جدی با ساترا اشاره کرد. نماوا گفت دو سال است پروژه‌ای مشابه با عنوان «فلفور» را با حضور سهراب ام.جی پیگیری کرده اما حتی موفق به گرفتن استعلام حراست ساترا هم نشده است.

ضیا که قرار است طی قسمت‌های آینده، هر هفته با یک رپر ایرانی به گفت‌وگو بنشیند و گفته می‌شود پس از شایع، از چهره‌هایی چون گادیوری، مهیار، دورچی و جی.جی نیز میزبانی خواهد کرد، ایسن برنامه را با فرمی متفاوت از برنامه‌های گفت‌وگومحور مرسوم جلوی دوربین برده. «گنگ» با حضور ایستاده مجری، مهمان و تماشاگران، فضایی غیررسمی را ایجاد کرده؛ الگویی که پیش از این با اندکی تفاوت در ویژه‌نامه یوتیوبی تحویل سال ۱۴۰۴ ضیا هم به‌چشم خورده بود. برخلاف دیگر تاک‌شوهای تلویزیونی و اینترنتی، اغلب سوالات مطرح‌شده در برنامه هم توسط تماشاگران پرسیده می‌شود و نقش مجری، نوعی هماهنگ‌کننده سوالات و البته ایجاد هیجان بیشتر در تماشاگران است.

نکته جالب و جنجالی درباره «گنگ» اجرای زنده موسیقی در مقابل دیدگان تماشاچیان حاضر در استودیوست که شمایل یک کنسرت موسیقی زیرزمینی را تداعی می‌کند؛ امری که از قضا بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی را به اشتباه انداخت و این تصور ایجاد شد که یک خواننده «رپ» توانسته در نمایش خانگی مجوز بگیرد. محمدرضا شایع، مهمان این برنامه که در طول این برنامه ۸۶ دقیقه‌ای، به اجرای ۴ قطعه موسیقی پرداخت، ازجمله رپرهای پرفرادر ایرانی به‌شمار می‌رود که پس از برنامه «باضیا» در پاییز ۱۴۰۳ و ویژه‌نامه تحویل سال ۱۴۰۴، سومین حضور خود را طی حدود یک سال اخیر، در برنامه‌های اینترنتی سیدعلی ضیا تجربه کرد. او البته خوانندگی فصل دوم برنامه «گل یا پوج» پلتفرم فیلمو را هم برعهده دارد که هنوز به انتشار نرسیده است. با همه اینها جالب اینجاست که با وجود پخش بدون مجوز و ممیزی پیشینی، واکنش بسیاری از مخاطبان رپ فارسی به این برنامه منفی بود، تا جایی که شایع در ویدئوی کوتاهی، بابت حضور در «گنگ» از دوستدارانش عذرخواهی کرد و این کار را یک اشتباه دانست.

اما همزمانی چنین اتفاقاتی پیرامون موسیقی رپ فارسی، نشان از این دارد که به‌تدریج این موسیقی راه خود را به شبکه‌های رسمی باز کرده و با انتشار آلبوم رسمی شروین و طرفداران بسیار اجرای سینما ساعی در برنامه کارناوال و ادامه انتشار «گنگ» می‌توان به مجوزدار شدن خوانندگان رپ فارسی و اجرای کنسرت‌های آنان امیدوار بود.

از صبح پنج‌شنبه و با انتشار ناگهانی قسمت اول برنامه «گنگ» در پلتفرم فیلمو، سروصدای زیادی در شبکه‌های اجتماعی به خصوص میان علاقه‌مندان به موسیقی رپ به‌وجود آمد. این برنامه که یکی از نخستین حضورهای رپرهای ایرانی در شبکه نمایش خانگی را رقم زده در اولین قسمت میزبان محمدرضا شایع بود که پاسخگوی پرسش‌های سیدعلی ضیا، مجری و تهیه‌کننده «گنگ» و تماشاگران این برنامه شد و در فواصل مختلف آن به اجرای قطعاتی پرداخت.

همین چند روز پیش بود که آلبوم جدید شروین هم مجوز انتشار گرفت و پیش از آن هم سینا ساعی در برنامه «کارناوال» رامبد جوان، اقدام به اجرای قطعاتی کرده بود. این درحالی است که پیش از این سابقه نداشت، موسیقی رپ ایرانی به‌صورت رسمی و با مجوز در برنامه‌ای اجرا شود. محمدمهدی احمدی، سرپرست معاونت هنری وزارت ارشاد، چهارم آذرماه در پاسخ به پرسشی درباره مجوز برای موسیقی رپ و نمایش‌هایی که با حضور برخی رپرها به‌صحنه می‌روند، توضیح داد: «ما قوانینی داریم که باید رعایت شود. اگر اشعار از سوی شورای شعر تأیید شوند و با فرهنگ و قوانین ما هماهنگ باشند، امکان اجرا وجود دارد. درباره تاتارها نیز باید بگویم این روزها نمایش‌های ترکیبی موسیقی و تئاتر با حضور رپرها، اجرا می‌شود و شورای نظارت آنها را ارزیابی می‌کند. اگر اشعار مشکلی نداشته باشند، می‌توانند چه در حوزه تئاتر و چه موسیقی فعالیت کنند». در واقع سرپرست معاونت هنری به‌طور رسمی بر اجرای این نوع موسیقی پس از تأیید اشعار تأکید کرد.

یک سال پیش حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی هم اعلام کرده بود که موزیسین‌های رپ، منعی برای عضویت در این خانه ندارند. او گفته بود: «در اساسنامه خانه موسیقی انواع و گونه‌های مختلف موسیقی تعریف نشده که چه گونه‌هایی عضو باشند، چه گونه‌هایی نباشند. بنابراین انواع موسیقی در این نهاد صنفی حضور دارند. در واقع هر فردی که در عرصه موسیقی که تعریف موسیقی بر آن صادق باشد، فعالیت کند؛ حتماً در خانه موسیقی جای دارد. بنابراین موزیسین‌های موسیقی رپ هم می‌توانند در خانه موسیقی عضویت داشته باشند. کما اینکه در سال ۱۴۰۱ بنده به‌عنوان مدیرعامل خانه موسیقی برای مشکلی که یکی از خوانندگان رپ گرفتار آن شده بود، ورود کردم و با مسئولان قضایی در حضور دادستان وقت کشور و قضات صحبت کردم و در همان زمان هم روی این موضوع تأکید داشتم که موسیقی رپ در همه جای دنیا به‌عنوان موسیقی اعتراضی تعریف می‌شود و اگر یک خواننده رپ موسیقی اعتراضی خوانده، عجیب نیست. در واقع خاستگاه این نوع موسیقی اعتراض است و در دفاع از آن خواننده روی این نکات تأکید داشتم».

حالا با پخش برنامه «گنگ» از شبکه خانگی به نظر می‌رسد، محدودیت‌ها برای به نمایش درآمدن و اجرا کردن این نوع موسیقی کاهش پیدا کرده و به‌تدریج خواننده‌های رپ فارسی هم می‌توانند به‌طور رسمی به اجرای برنامه بپردازند. هرچند که با انتشار اولین قسمت از این برنامه،



تاریخ ایران» انتخاب کند. او در گفت‌وگوی چنین می‌گوید: «ایران، تاریخ خیلی گسترده‌ای دارد. شماره‌هایی که در رده‌بندی کنگره و دیویی آمده بودند، کفاف تاریخ خیلی گسترده و متنوع سه، چهار هزار ساله ایران را نمی‌دادند. به همین خاطر پایان‌نامه کارشناسی ارشد من در مورد گسترش رده تاریخ ایران بود. تاریخ ایران از ماقبل تاریخ تا جمهوری اسلامی را تقسیم‌بندی کردم و مسائل مختلف از سلسله‌ها، رویدادهای برجسته و... را به ترتیب تاریخی تنظیم کردم و به آنها شماره دادم. این رده جدید تاریخ ایران به تصویب کتاب‌خانه کنگره هم رسید.»

جهان‌بینی خاص فانی

داریوش شایگان به مناسبتی درباره خصائل شخصیتی و معرفتی کامران فانی گفته بود: «در توصیف عشقی که کامران فانی به فرهنگ می‌ورزد و احاطه وسیعی که بر آن دارد همواره تعبیر فرانسوی homme de Renaissance یا «انسان عهد رنسانس» را به یاد می‌آورم، یعنی مردانی که به همه علوم و معارف روزگار خود احاطه داشتند و به معنای واقعی کلمه علامه یا به زبان امروزی «فرهیخته» بودند. با کامران فانی می‌توان از تئوری بیگ بنگ تسا فلسفه در فیزیک جدید، از فیزیک کوانتوم تا موسیقی قرون وسطای فرانسه و باروک ایتالیا، از نقاشی مکتب ونیز و مکتب هلندی‌های قرن هفدهم و از «ورمیر» و «ولاسکز» سخن گفت. با او می‌توان از قرآن، از عصر حجر، از نوسنگی، از ایتالیاای قرن پانزدهم، از روسیت قرن نوزدهم و از آمریکا سخن گفت و سخنان سنجیده و منسجم او را شنید. سخنانی که نشان از غور و اندیشیدن عمیق در همه خواندها و دانسته‌ها به مدد حافظه‌ای قوی و ذهنی منضبط دارد، خصلتی نادر که به‌ویژه نزد صاحب‌نظران ایرانی- که در یک رشته تبحر دارند و در رشته‌های دیگر عامی‌اند- نایافتنی است. خصلتی که فانی را در ایران منحصر‌به‌فرد می‌کند و همراه با دیگر خصائل فانی به او جهان‌بینی خاصی بخشیده است؛ جهان‌بینی‌ای متکی بر تعامل، تسامح، بردباری و بلندنظری.»

گرفته است. فراهانی از تدوینگران و مستندسازان شناخته‌شده است که آثاری چون قوی‌دل را در کارنامه خود دارد. تدوین یکی از نکات قوت فیلم است که هم ریتم را به‌خوبی حفظ کرده و هم اینکه تصاویر مسابقات طوری در کنار هم نشسته که نبود چند دوربین در زمین و امکانات محدود به‌چشم نمی‌آید و حتی گاهی این تصور به‌وجود می‌آید که تصاویر مسابقات با چند دوربین فیلمبرداری ثبت و ضبط شده است.

تیم فوتسال در این مستند سه سفر خارجی به فیلیپین، چین و تایلند داشته و مستندساز و همکارانش همراه تیم در این سفرها بودند که با حمایت فدراسیون فوتبال، معاونت زنان ریاست‌جمهوری و سازمان سینمایی سوره، بخشی از هزینه‌ها تأمین شد.

سارا طالبیان، کارگردان «روای نامام» درباره این مستند توضیح می‌دهد: «روای نامام» صرفاً یک فیلم ورزشی نیست؛ روایتگر مفاهیمی چون زن، خانواده و مادرانگی است و تلاش شده ابعاد انسانی و اجتماعی حضور زنان ورزشکار نیز نشان داده شود.

او با اشاره به انتظار تیم ملی برای برگزاری مسابقات قهرمانی می‌گوید: در حال حاضر این تیم به مدت ۷ سال است که در انتظار برگزاری مجدد رقابت‌های قهرمانی آسیاست. لغو این رقابت‌ها منجر به از بین رفتن تیم ملی فوتبال بانوان کشورمان می‌شود، در صورتی که تورنمنت‌های آسیایی و جهانی برگزار نشود، تیم‌ها دیگر فلسفه وجودی خود را از دست می‌دهند و اساساً تمامی تلاش‌ها بی‌نتیجه می‌ماند؛ این مستند نیز طرح همین مسئله و بیان آمال و تلاش‌های بازیکنان فوتبال است.

کیومرث کرده، یکی از تهیه‌کنندگان این مستند می‌گوید: در این اثر تلاش کردیم که از زوایای انسانی و نزدیک، داستان زنانی را روایت کنیم که با وجود کمبود امکانات، بی‌توجهی ساختاری و نبود پوشش رسانه کافی همچنان باانگیزه و امید برای رسیدن به جایگاه مبارزه می‌کنند. این مستند نه فقط درباره ورزش بلکه درباره هویت، انگیزه مقاومت و رویای دیده شدن بود و دغدغه ما این بود که صدای این تیم و زنان ورزشکار را بازتاب بدهیم تا بیشتر دیده شوند؛ چراکه ورزش یک زبان مشترک برای همه مردم جهان است. احسان مشکور که پیش‌تر مستند «والیبال» را ساخته است، سینمای ورزشی را دارای ابعاد مهم اجتماعی می‌داند و می‌گوید: حدود یک سال‌ونیم برای دریافت مجوز ساخت رویای نامام از فدراسیون فوتبال منتظر ماندم. پس از همراهی فدراسیون، روند تولید با همکاری مرکز سوره آغاز شد.

فانی نویسنده و مترجم

کامران فانی از نوجوانی زبان انگلیسی را فراگرفت و در مقطع لیسانس عربی را در محضر دکتر مهدی محقق و استاد بدیع‌الزمان کردستانی آموخت. مطالعه مداوم در زمینه‌های مختلف علمی و ادبی شخصیتی ممتاز از فانی ساخته است. نخستین مطلبی که از فانی منتشر شد در مجله «نگین» (ش ۴۳، آذر ۱۳۴۷) و ترجمه داستانی از گی دوموپاسان بود. او درباره تاگور هم مقاله‌ای موجز و خواندنی در «نگین» نوشت. کامران فانی نخستین کسی بود که با ترجمه کتاب «موش و گربه» گوئتر گراس را به فارسی‌زبانان معرفی کرد، روزهایی که گوئتر گراس جایزه نوبل ادبی را به دست نیاورده بود و شهرتی عالم‌گیر نداشت اما خود را به عنوان نویسنده‌ای توانا در ادبیات آلمان تثبیت کرده بود. او نمایش‌نامه «مرغ دریایی» آنتوان چخوف را به فارسی ترجمه کرد. کتابی که خود می‌پسندد و کتابی خواندنی است و نمایش‌نامه «سه خواهر» چخوف را هم به‌طور مشترک با سعید حمیدیان ترجمه کرد. ترجمه «سلوک روحی بنه‌هون» اثر جان سالیوان از دیگر ترجمه‌های فانی بود. این کتاب به دنیای فکری و روحی هنرمند ممتاز عالم موسیقی می‌پردازد و همچنان یکی از بهترین آثار درباره بنه‌هون است. فانی آشنایی خوبی با موسیقی داشت و شنونده متبحر موسیقی بود و ترجمه کتاب سالیوان در واقع ادای دینی به بنه‌هون بود که موسیقی‌دان محبوبش بود. ترجمه فیلم‌نامه «ترستانا» لوئیس بونوئل و «خطابه پوشکین» داستایوفسکی (ترجمه مشترک با سعید حمیدیان) از دیگر آثار فانی هستند.

مقاله کامران فانی درباره «بیت‌الحکمه و دارالترجمه» و گفت‌وگوهای او با مجلات مختلف درباره جنبه‌های ترجمه نیز گوشه‌هایی کمتر دیده‌شده از تاریخ ترجمه در ایران را آشکار می‌کند. کامران فانی با نام مستعار «افرو» هم برای کودکان، آثاری پدید آورده است. درباره جنگ جهانی اول و دوم نیز سلسله مقاله‌هایی برای نوجوانان نوشت که بعداً به صورت کتاب منتشر شد.

فانی منتقد

کامران فانی در عرصه نقد و معرفی کتاب نیز کارنامه‌ای درخشان دارد. نقدهای او در مجله «رودکی» و «تحقیقات کتابداری» به خصوص «نشر دانش» خواندنی و آموزنده است. نقد او دور از احساسات و متین و منطقی است. در نقد تُد نمی‌شد و با متانت، اطلاعات سودمندی به خواننده می‌داد. طرح این اطلاعات بیشتر تکمیل‌کننده مباحث طرح‌شده در کتابی بود که او نقد می‌کرد. کامران فانی علاقه مطالعاتی گسترده‌ای داشت. تاریخ ایران و جهان، ادبیات به معنی نقد ادبی و داستان و تاریخ ادبیات و فلسفه غربی و اسلامی، محورهای اصلی مطالعات بودند. در این زمینه‌ها هم ترجمه کرده و هم نقد نوشته است. توجه ویژه فانی به تاریخ ایران موجب شد، موضوع پایان‌نامه خود را درباره «رده DSR

روایت می‌کند.

طالبیان، کارگردان این مستند علاوه بر اینکه به مسابقات جهانی تیم فوتسال زنان می‌پردازد به پشت صحنه این مسابقات هم توجه دارد و مسائل و مشکلات اعضای تیم فوتسال، درگیری‌های آنها با مربی و اختلافات داخلی را به‌نمایش می‌گذارد. او برای تصویربرداری از مسابقات جهانی دچار محدودیت‌هایی بوده و تنها با یک دوربین عکاسی می‌توانسته از مسابقات عکاسی کند. چراکه این مسابقات دارای حق پخش بود و مسئولانی که در زمین حضور داشتند، اجازه تصویربرداری نمی‌دادند. اما این کارگردان با همراهی فیلمبردار تلاش کرده، صحنه‌هایی را به ثبت و ضبط برساند با این تصور که در حال عکسبرداری از مسابقه است و بالاخره توانسته، ویدئوهایی را در جریان بازی به ثبت برساند. در نهایت این تصاویر با تلاش علی فراهانی، تدوینگر فیلم، شکل و شمایل یک مستند ورزشی را به‌خود





بازار سهام

روز خروج پول

سقف جدید چگونه لمس شد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بازار سهام در ادامه مسیر صعودی خود، یکی از پرقدردترین روزهای معاملاتی ماه‌های اخیر را پشت سر گذاشت و با ثبت سقف تاریخی جدید، توجه فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران را بیش از پیش به خود جلب کرد. شاخص کل بورس تهران با رشد قابل‌توجه ۶۶ هزار و ۸۹۱ واحدی به سطح بی‌سابقه ۳ میلیون و ۶۲۸ هزار و ۳۶۷ واحد رسید و بازدهی روزانه ۱/۸۸ درصدی را ثبت کرد؛ عددی که به‌روشنی از تحرکات قدرتمند سمت تقاضا و غلبه خوش‌بینی در بازار حکایت دارد. همزمان شاخص کل هم‌وزن نیز با افزایش ۱۵ هزار و ۶۲۱ واحدی به سطح ۱ میلیون و ۱۶ هزار و ۳۶۳ واحد رسید و رشد ۱/۵۶ درصدی را تجربه کرد. رشد همزمان شاخص کل و هم‌وزن نشان می‌دهد که حرکت صعودی بازار محدود به چند نماد بزرگ و شاخص‌ساز نبوده و طیف وسیعی از نمادهای کوچک و متوسط نیز در این روند مشارکت داشته‌اند؛ موضوعی که از منظر پایداری رشد، اهمیت بالایی دارد.

یکی از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار در معاملات دیروز ورود قابل‌توجه پول حقیقی به بازار سهام بود. خالص ورود پول حقیقی با ثبت رقم ۱،۳۳۵ میلیارد تومان، نشان داد که سرمایه‌گذاران خرد پس از دوره‌ای احتیاط، بار دیگر با قدرت به بازار بازگشته‌اند. این جریان تقدینگی علاوه بر تقویت سمت تقاضا، نقش مهمی در افزایش ارزش معاملات و ایجاد صف‌های خرید در بسیاری از نمادها ایفا کرد. از منظر آماری، حجم معاملات بازار به ۴۵/۶ میلیارد سهم و ارزش معاملات خرد به ۱۵ هزار و ۲۵۴ میلیارد تومان رسید که بیانگر افزایش تحرک و عمق معاملات است. سرانه خرید حقیقی‌ها ۷۵/۱ میلیون تومان و سرانه فروش آنان ۵۴/۴ میلیون تومان گزارش شد که نسبت قدرت خرید ۱/۳۸ را رقم زد؛ نسبتی که به‌وضوح از برتری خریداران نسبت به فروشندگان حکایت دارد و نشان می‌دهد، تصمیم‌گیری فعالان بازار بیشتر با رویکرد ته‌اجمی و مبتنی بر انتظار بازدهی بالاتر صورت گرفته است. نکته مهم و قابل‌تأمل دیگر، خروج کم‌سابقه ۳،۴۸۰ میلیارد تومان تقدینگی از صندوق‌های درآمد ثابت بود. این رقم از بزرگ‌ترین خروج پول‌ها در تاریخ این صندوق‌ها محسوب می‌شود و بیانگر تغییر محسوس ترجیحات سرمایه‌گذاران است. به‌نظر می‌رسد، بخشی از سرمایه‌گذاران با کاهش جذابیت بازدهی ابزارهای کم‌ریسک و درک فرصت‌های بالقوه بازار سهام، اقدام به جابه‌جایی منابع خود به سمت دارایی‌های پریسک‌تر کرده‌اند. این رفتار، نشانه‌ای روشن از افزایش ریسک‌پذیری در فضای سرمایه‌گذاری است. ترکیب سفارشات خرید و فروش نیز مؤید همین تغییر فاز است؛ به‌طوری که ارزش سفارش‌های خرید به ۳،۸۱۹ میلیارد تومان رسید، در حالی که ارزش سفارش‌های فروش تنها ۶۴۵ میلیارد تومان بود. این عدم تعادل قابل‌توجه، فضای غالب خوش‌بینی و انتظار تداوم رشد را در میان معامله‌گران نشان می‌دهد. از منظر رفتاری بازار ۶۸۵ نماد با افزایش قیمت مواجه شدند و تنها ۱۴۰ نماد کاهش قیمت داشتند. همچنین تشکیل ۲۹۲ صف خرید در مقابل تنها ۲۶ صف فروش، بیانگر غلبه مطلق تقاضا و افزایش اعتماد فعالان بازار به روند صعودی است. این گستردگی مثبت معمولاً در مراحل ابتدایی یا میانی یک موج صعودی قدرتمند مشاهده می‌شود و می‌تواند، نشانه‌ای از ادامه‌دار بودن حرکت باشد. با نگاه به چشم‌انداز پیش‌رو، کارشناسان بازار سرمایه معتقدند ثبت سقف تاریخی شاخص کل همزمان با ورود تقدینگی قوی و خروج محسوس از صندوق‌های درآمد ثابت، نشان‌دهنده تغییر الگوی رفتاری سرمایه‌گذاران است. در صورت تداوم این شرایط و نبود شوک‌های منفی سیاسی یا اقتصادی انتظار می‌رود، بازار سهام در روزهای آینده نیز از این جریان تقدینگی منتفع شود. به‌ویژه صنایع شاخص‌ساز، گروه‌های دلاری و شرکت‌های صادرات‌محور می‌توانند، کانون توجه سرمایه‌گذاران باقی بمانند. در مجموع، معاملات اخیر را می‌توان نشانه‌ای از بازگشت اعتماد به بازار سرمایه و افزایش احتمال تثبیت شاخص کل در سطوح بالاتر دانست. هرچند حفظ این روند نیازمند تداوم ورود پول، ثبات نسبی متغیرهای کلان و مدیریت انتظارات است اما شواهد فعلی از شکل‌گیری یک فاز مثبت و امیدوارکننده در بازار سهام حکایت دارد.

فراریان ریسک

چرا معامله‌گران بازار سرمایه از معامله‌گران بازار طلا و ارز، ریسک‌گریزترند؟

سعید مشهوری

گروه اقتصاد

صبح روزی که شاخص‌های بورس هنوز سبز نشده‌اند، معامله‌گر پشت ماینور نشسته اما انگشتش روی دکمه خرید مکث دارد. همزمان در آن سوی شهر، فردی بدون نیاز به تحلیل صورت‌های مالی با پیگیری بخشنامه‌های شبانه، سکه یا دلار می‌خرد. نه به امید سودهای عجیب بلکه فقط برای اینکه ارزش دارایی‌اش حفظ شود. این دو تصویر متضاد، روایت یک واقعیت مشترک در اقتصاد ایران است؛ بازاری که قرار بود محل پذیرش ریسک و موتور تأمین مالی باشد، به پناهگاه احتیاط تبدیل شده و بازارهایی که ذاتاً پرنوسان هستند برای بسیاری امن‌تر به‌نظر می‌رسند. پرسش اینجاست که چرا در ایران، سهام بیش از طلا و ارز ترسناک است و ریسک‌گریزی در بورس چگونه به رفتاری عقلانی بدل شده است؟

رفتار ریسک‌گریز معامله‌گران در بورس تهران در مقایسه با فعالان بازار طلا و ارز پدیده‌ای است که ریشه‌های آن را باید فراتر از تعاریف کلاسیک مالی و در بستر اقتصاد سیاسی، ساختار نهادی و تجربه تاریخی اقتصاد ایران جست‌وجو کرد. یافته‌های مقاله «ریسک‌گریزی و ارزش در معرض خطر در پرتوی دارایی‌های کلان» که نشان می‌دهد، معامله‌گران بازار سهام ریسک‌گریزتر از فعالان بازار ارز و طلا هستند و معامله‌گران طلا کمترین میزان

ریسک‌گریزی را دارند، در نگاه اول ممکن است با ادبیات متعارف مالی در تضاد به‌نظر برسد؛ چراکه در نظر به‌های کلاسیک، بازار سهام به‌عنوان موتور رشد و بازار طلا و ارز به‌عنوان پناهگاه‌های امن معرفی می‌شوند. اما در اقتصاد ایران این معادله به شکلی معکوس عمل می‌کند.

در تعریف نظری، سرمایه‌گذار ریسک‌گریز، فردی است که در مواجهه با دو دارایی با بازده مورد انتظار مشابه، دارایی با نوسان کمتر را انتخاب می‌کند. چنین سرمایه‌گذاری حاضر است، بخشی از بازده بالقوه را فدای اطمینان بیشتر کند. در اقتصادهای باثبات، این رفتار معمولاً به سمت اوراق بدهی دولتی، سپرده‌های بانکی یا صندوق‌های کم‌ریسک هدایت می‌شود و بازار سهام به‌طور طبیعی میزبان سرمایه‌گذاران ریسک‌پذیرتر است. اما در ایران، به دلیل ضعف ابزارهای مالی امن و بی‌ثباتی مزمن اقتصاد کلان، نقش دارایی‌های امن به تدریج به بازارهایی مانند طلا و ارز منتقل شده است. یکی از

دیدگاه:تحلیل اقتصادی

نشانه‌های رکود

چرا بازار مسکن دوبی از رونق افتاد؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

بازار مسکن دوبی که طی سال‌های گذشته به یکی از جذاب‌ترین مقاصد سرمایه‌گذاری ملکی در جهان تبدیل شده بود، نشانه‌های روشنی از ورود به یک فاز جدید و کم‌رونق‌تر را بروز داده است. گزارش‌های اخیر، ازجمله تحلیل‌های منتشر شده در بلومبرگ، حاکی از آن است که این بازار دیگر مانند گذشته سودآور و کم‌ریسک تلقی نمی‌شود و مجموعه‌ای از عوامل ساختاری و چرخه‌ای، چشم‌انداز آن را با ابهام مواجه کرده است. یکی از مهم‌ترین دلایل افت رونق بازار مسکن دوبی، افزایش شدید عرضه در سال‌های اخیر است. سیاست‌های توسعه‌محور دولت امارات و تمرکز دوبی بر تبدیل شدن به یک هاب جهانی برای سرمایه‌گذاری، گردشگری و اقامت خارجی‌ها، موج

مهم‌ترین دلایل ریسک‌گریزی بالاتر در بازار سهام، بی‌ثباتی شدید و غیرقابل پیش‌بینی سیاستگذاری است. قیمت سهام در ایران نه‌تنها تحت‌تأثیر متغیرهای اقتصادی بلکه به‌شدت وابسته به تصمیمات ناگهانی سیاستگذار، تغییر مقررات، قیمت‌گذاری دستوری، محدودیت‌های صادراتی، تغییر نرخ خوراک و انرژی و مداخلات مستقیم دولت در بنگاه‌هاست. این مداخلات باعث می‌شود، ریسک بازار سهام از جنس «ریسک سیستماتیک غیرقابل پوشش» باشد؛ ریسکی که نه با تنوع‌بخشی پرتفوی کاهش می‌یابد و نه با تحلیل بنیادی قابل پیش‌بینی است. در چنین شرایطی حتی سرمایه‌گذار حرفه‌ای نیز احساس می‌کند، کنترل محدودی بر سرنوشت سرمایه خود دارد. در مقابل، بازار طلا و ارز از منظر ذهنی معامله‌گران ایرانی، پیوند مستقیمی با متغیرهای کلان و قابل فهم‌تری مانند تورم، نرخ ارز و انتظارات سیاسی دارد. طلا و ارز در اقتصاد ایران نه‌تنها ابزار سرمایه‌گذاری، بلکه ابزار حفظ ارزش دارایی



در برابر کاهش قدرت خرید پول ملی هستند. تجربه تاریخی چند دهه تورم مزمن، کاهش ارزش ریال و شوک‌های ارزی، این بساور را در ذهن فعالان اقتصادی نهادینه کرده که طلا و ارز، هرچند پرنوسان، اما در بلندمدت «قابل اتکا» از سهام هستند. این اتکا نه به‌معنای نبود نوسان، بلکه به‌معنای هم‌راستی این دارایی‌ها با روندهای کلان اقتصاد است.

عامل مهم دیگر، ضعف حاکمیت شرکی و شفافیت اطلاعاتی در بازار سهام است. در بسیاری از شرکت‌های بورسی، ساختار مالکیت دولتی یا شبه‌دولتی، تعارض منافع، افشای ناقص اطلاعات و نبود پاسخگویی مؤثر مدیران، ریسک اطلاعاتی را افزایش می‌دهد. سرمایه‌گذار خرد، که ابزار و دسترسی محدودی برای تحلیل عمیق دارد، خود را در برابر بازیگران بزرگ و مطلع‌تر ناتوان می‌بیند. این احساس نابرابری اطلاعاتی، ریسک ذهنی سرمایه‌گذاری در سهام را تشدید می‌کند و به رفتار محتاطانه‌تر می‌انجامد. از سوی

گسترده‌ای از پروژه‌های ساختمانی را به راه انداخت. این روند اگرچه در مقطع رونق اقتصادی و ورود سرمایه‌های خارجی منطقی به نظر می‌رسید اما اکنون به مازاد عرضه منجر شده است. پیش‌بینی وجود ۳۰ تا ۴۰ هزار واحد مسکونی مازاد تا سال ۲۰۲۷ نشان می‌دهد که تعادل میان عرضه و تقاضا به‌طور جدی به‌نفع عرضه به‌رم خورده و همین موضوع فشار نزولی بر قیمت‌ها وارد می‌کند. عامل دوم، تغییر رفتار سرمایه‌گذاران است. در سال‌های اخیر، بخش قابل‌توجهی از تقاضای بازار مسکن دوبی ماهیت سرمایه‌ای و سفته‌بازانه داشت؛ سرمایه‌گذارانی که با هدف حفظ ارزش دارایی، کسب سود کوتاه‌مدت یا دریافت اقامت وارد بازار شدند. اما با کاهش سرعت رشد قیمت‌ها، افزایش نرخ‌های بهره جهانی و جذاب‌تر شدن بازارهای رقیب، بخشی از این سرمایه‌ها یا از بازار خارج شده‌اند یا در حالت انتظار قرار گرفته‌اند. این تغییر رفتار، تقاضای مؤثر را کاهش داده و به تضعیف رونق بازار انجامیده

دیگر، تجربه‌های تلخ تاریخی نیز نقش مهمی در شکل‌گیری ریسک‌گریزی دارند. سقوط‌های شدید بورس در مقاطع مختلف، به‌ویژه ریزش سنگین پس از اوج‌گیری سال ۱۳۹۹، خاطره‌ای جمعی از زیان‌های گسترده را در ذهن سرمایه‌گذاران حک کرده است. در حالی که بازار طلا و ارز نیز نوسانات شدید داشته‌اند اما کمتر شاهد بوده‌ایم که سیاستگذار به‌طور مستقیم با ابزارهای محدودکننده، زیان گسترده و یک‌طرفه‌ای به فعالان این بازارها تحمیل کند. این تفاوت تجربه، باعث شده اعتماد عمومی به بازار سهام شکننده‌تر از بازار طلا و ارز باشد. نکته قابل توجه دیگر، ماهیت نقدشوندگی و سادگی معاملات است. بازار طلا و ارز، چه در شکل فیزیکی و چه در قالب ابزارهای مالی از نظر بسیاری از معامله‌گران ساده‌تر، سریع‌تر و قابل فهم‌تر است. تصمیم‌گیری در این بازارها بیشتر مبتنی بر چند متغیر کلان است، در حالی که سرمایه‌گذاری در سهام نیازمند تحلیل صورت‌های مالی، درک صنعت، پیگیری مقررات و تحمل نوسانات ناشی از اخبار گاه متناقض است. این پیچیدگی، هزینه ذهنی و روانی سرمایه‌گذاری در بورس را افزایش می‌دهد و به افزایش ریسک‌گریزی می‌انجامد.

همچنین محدودیت ابزارهای پوشش ریسک در بازار سرمایه ایران، عامل مهمی در این تفاوت رفتاری است. در بسیاری از بازارهای توسعه‌یافته، سرمایه‌گذاران می‌توانند با استفاده از ابزارهای مشتقه، فروش استقراری یا صندوق‌های متنوع، ریسک پرتفوی خود را مدیریت کنند. در ایران، ضعف این ابزارها باعث می‌شود، سرمایه‌گذار سهام عملاً در برابر افت بازار آسیب‌پذیر باشد، در حالی که در بازار طلا و ارز، امکان خروج سریع یا تبدیل دارایی با هزینه کمتر وجود دارد.

به هر حال ریسک‌گریزی بالاتر معامله‌گران بازار سهام در ایران نه نشانه محافظه‌کاری بیش از حد بلکه واکنشی عقلایی به ساختار پریسک، غیرشفاف و مداخله‌گر این بازار است. تا زمانی که ثبات سیاستگذاری افزایش نیابد، حقوق مالکیت به‌طور مؤثر تضمین نشود، شفافیت اطلاعاتی ارتقا پیدا نکند و ابزارهای مدیریت ریسک توسعه نیابد، سهام در ذهن سرمایه‌گذار ایرانی همچنان معادل ریسک بالا باقی خواهد ماند. در چنین شرایطی، طبیعی است که طلا و ارز با وجود نوسانات شدید به‌عنوان پناهگاه‌های امن‌تر تلقی شوند و معامله‌گران آنها ریسک‌پذیرتر از فعالان بازار سهام به نظر برسند؛ پارادوکسی که ریشه آن نه در رفتار غیرمنطقی سرمایه‌گذاران بلکه در واقعیت‌های اقتصاد ایران نهفته است.

است. از سوی دیگر، شرایط بازار اجاره نیز به شکل متناقضی بر فضای کلی اثر گذاشته است. کمبود فضای اداری در دوبی باعث افزایش اجاره دفاتر شده و هزینه فعالیت برای شرکت‌های خارجی را بالا برده است. این موضوع می‌تواند در میان‌مدت جذابیت دوبی به‌عنوان مقصد استقرار کسب‌وکارها را کاهش دهد و به‌طور غیرمستقیم بر تقاضای مسکن، به‌ویژه در بخش‌های میان‌رده و لوکس، اثر منفی بگذارد. هرچند انتظار می‌رود با عرضه حدود سه هزار واحد اداری جدید تا سال ۲۰۳۰ بخشی از این فشار کاهش یابد اما این اثرگذاری زمانبر خواهد بود. عامل مهم دیگر، اشباع نسبی بازار در برخی سگمنت‌ها به‌ویژه املاک لوکس است. تمرکز بیش از حد بر پروژه‌های گران‌قیمت و برند، باعث شده تقاضای واقعی مصرفی در این بخش محدود باشد. در شرایطی که رشد جمعیت یا مهاجرت نتواند همپای عرضه پیش برود، طبیعی است که این بخش‌ها زودتر وارد فاز اصلاح شوند. با این حال، افت رونق به‌معنای سقوط یا بحران شدید بازار مسکن دوبی نیست. این بازار بیش از آنکه وارد فاز رکود عمیق شده باشد، در حال تجربه یک «اصلاح ساختاری» است. کاهش شتاب رشد قیمت‌ها، افزایش رقابت میان سازندگان و سخت‌تر شدن شرایط برای سرمایه‌گذاران کوتاه‌مدت، نشانه بلوغ نسبی بازار است. آینده این بازار به توان دوبی در مدیریت عرضه، تنوع‌بخشی به اقتصاد و حفظ جایگاه خود به‌عنوان یک مرکز جهانی وابسته خواهد بود.

رپ و دوگانه مجوز-اعتراض

چرا برنامه «گنگ» علی ضیاء واکنش‌های تند زیادی در پی داشت؟

گروه اجتماعی: انتشار نخستین قسمت از برنامه «گنگ» با اجرای علی ضیا و حضور محمدرضا شایع، خواننده رپ سرشناس در پلتفرم فیلیمو، نه به‌عنوان یک رویداد فرهنگی بلکه به‌مثابه کاتالیزوری برای احیای عمیق‌ترین شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران عمل کرد. این برنامه که قرار بود، موسیقی رپ را از زیرزمین خارج کرده و به رسمیت بشناسد عملاً بار دیگر دوگانه‌های قدیمی «مجوز یا اعتراض» و «اصلاح یا رادیکالیسم» را با شدتی کم‌سابقه بازنمایی کرد. حواشی پس از پخش، از عذرخواهی شایع تا حملات به علی ضیا، نشان از یک پدیده گسترده‌تر در کشور دارد: فقدان مرجعیت و تمایل جریان‌های پنهان و آشکار به دوقطبی‌سازی جامعه در پس‌زمینه وخامت اقتصادی.

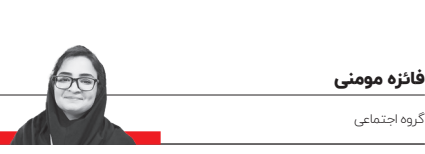
از «شوک» صداوسیما تا دوگانه «گنگ»

تاریخ مواجهه رسمی با رپ فارسی، تاریخ تقابل و طرد است. در دهه ۱۳۸۰ صداوسیما با مستند «شوک»، رپ را مستقیماً به «شیطان‌پرستی» و «فراماسوئری» نسبت داد و آن را به یک «تابو»ی فرهنگی تبدیل کرد. مدیران فرهنگی کشور که عموماً درکی از ماهیت اعتراضی این ژانر نداشتند با غفلت از اینکه هر اعتراضی لزوماً سیاسی نیست، این موسیقی را به زیرزمین راندند. این طرد نه‌تنها مانع محبوبیت رپ نشد بلکه آن را رادیکال‌تر کرد. هنرمندان رپ که مجوز و

تیتربک

خداداد میلی

سازندگی به بررسی نقش رسانه‌ها و برخی مسئولان در ترویج لمپنیسم پرداخته است



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

در حالی که میلیون‌ها پیننده ایرانی چشم به شبکه سوم سیما دوخته بودند تا مراسم قرعه‌کشی جام‌جهانی ۲۰۲۶ را تماشا کنند، ناگهان طنین کلمات نامناسبی، سکوت خانوادگی مخاطبان را درهم شکست. خداداد عزیزی، اسطوره فوتبال ایران که با عنوان «مدیر فنی» تیم تراکتور شناخته می‌شود با استفاده از الفاظی رکیک علیه رئیس فدراسیون جهانی فوتبال (FIFA) و رئیس‌جمهور آمریکا آن هم در برنامه زنده، فضای برنامه را به شدت متشنج کرد. اگرچه مجری در لحظه تلاش کرد، میکروفن را ببندد و به وی تذکر دهد اما عزیزی با بی‌اعتنایی، کلمات زشت خود را تکرار کرد و این‌گونه، رسانه ملی به‌سادگی به محلی برای ترویج بی‌اخلاقی تبدیل شد. هنوز موج انتقادات و بازتاب‌های این ناهنجاری رسانه‌ای فروکش نکرده بود که این قهرمان سابق در قامت یک ضدقهرمان ظاهر شد. پس از بازی تراکتور مقابل ذوب‌آهن در اصفهان، خداداد عزیزی در میکسدزون ورزشگاه، مقابل دوربین خبرنگاران همان الفاظ رکیک را این بار با لحنی طلبکارانه و سینه‌سپر تکرار کرد. او با دفاع از کار خود، نه‌تنها عذرخواهی نکرد بلکه دیگران را به «ریاکاری» متهم کرد و گفت: «همه شما همین حرف‌ها را می‌زنید، فقط جلوی دوربین خودتان را سانسور می‌کنید». این اصرار بر هتاکي در یک فضای عمومی‌تر، نشان داد که این اتفاق نه یک «لغزش زبانی» لحظه‌ای بلکه یک انتخاب آگاهانه برای ترویج سبکی از «بی‌ادبی» است.

فراخوان کمیته انضباطی

این رفتار عجیب و تکرار الفاظ نامناسب بالاخره کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال را از انفعال خارج کرد. چند روز پیش عزیزی به این کمیته احضار شد و رسانه‌ها از احتمال محرومیت حداقل یک جلسه‌ای یا حتی بیشتر و جریمه سنگین برای او خبر دادند. این احضار، اگرچه ضروری بود اما در حقیقت نمادی از ضعف نهادهای نظارتی است؛ نهادهایی که پیش‌تر در برابر حواشی متعدد عزیزی – از درگیری‌هایش در مربیگری تا توهین‌هایش در برنامه‌های اینترنتی و تلویزیونی – سکوت کرده بودند. این ضعف به خداداد عزیزی این حس

امکان فعالیت رسمی نداشتند به دلیل ماهیت اعتراضی موسیقی خود به «زیرزمینی بودن» و «پیوند با خیابان» به‌مثابه هویت خود چسبیدند. به رسمیت شناخته شدن رپ، طبق منطق زیرزمینی، مستلزم تأیید محتوایی توسط نهادهای رسمی خواهد بود؛ امری که از دیدگاه طرفداران رادیکال، هویت موسیقی رپ را از معنای «اعتراضی» تهی کرده و آن را به «رپ بی‌خاصیت» یا «دستوری» بدل می‌کند. برنامه «گنگ» با حضور شایع، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های این سبک دقیقاً در این نقطه انفجار قرار گرفت. گروهی حضور شایع و تلاش برای گرفتن مجوز را خیانت و «سازش» نامیدند و گروهی دیگر آن را ریسکی برای «رسمی‌سازی» و به رسمیت شناختن صدای نسل جوان دانستند. موج حملات مجازی، حتی از سوی همکاران شایع چنان بالا گرفت که او ناچار به انتشار ویدئوی عذرخواهی شد. این فشارها ثابت کرد که شکاف فرهنگی در ایران به اوج خود رسیده است و هرگونه تلاش برای ایجاد «روزنه» یا «اصلاح» با گارد بسته و بدبینی شدید مواجه می‌شود.

علی ضیا و نقد «تغییر موضع»: بحران اعتماد به سلبریتی‌ها

بخشی از حواشی «گنگ» مستقیماً متوجه مجری آن، علی ضیا، بود. ضیا که تا پیش از حوادث ۱۴۰۱ مجری

مصونیت را داد که می‌تواند هر حرفی را بزند و از هر خط قرمزی عبور کند. بهیاد داریم که کمیته انضباطی در مورد به‌کار بردن یک لفظ نامناسب توسط مهرداد محمدی (بازیکن استقلال) حکم ۶جلسه محرومیت و جریمه پانصد میلیون تومانی صادر کرده بود؛ حال باید دید در برابر هتاکي‌های مکرر و علنی عزیزی، چه واکنشی نشان خواهد داد.

نگاهی به کارنامه پرتناقض

خداداد عزیزی، متولد ۱۳۵۰، یک قهرمان ملی است که زندگی‌اش سراسر تناقض است. او که کودکی‌اش در مشهد در فقر گذشت، به دلیل نبوغش در فوتبال به اوج رسید. او در جام‌ملت‌های آسیا ۱۹۹۶ به‌عنوان مرد سال فوتبال آسیا انتخاب شد و با گل جاودانه‌اش در ۸ آذر ۱۳۷۶ مقابل استرالیا در ملبورن، لقب «غزال تیزپای فوتبال ایران» را از آن خود کرد. این گل، نقطه اوج زندگی حرفه‌ای او بود که نامش را در تاریخ فوتبال ایران تثبیت کرد.

اما در پس این درخشش، همیشه سایه حواشی سنگینی



وجود داشت. دوره‌های بازی او در اروپا و آمریکا کوتاه بود عمدتاً به دلیل اختلاف با مربیان و رفتار پرخاشگرانه. در دوران مربیگری در ایران نیز حضورش در تیم‌هایی مانند ابومسلم و پیام مشهد با درگیری‌های شدید با مدیران و بازیکنان همراه بود و هیچ‌گاه به ثبات نرسید. او حتی یک‌بار پس از آنکه حمید علی‌عسگری را به دلیل اشتباه در بازی، سه دقیقه بعد از ورود تعویض کرد و تیم را ۱۰ نفره نگه داشت با مدیرعامل باشگاه درگیر و اخراج شد. اوج این رفتارها، محرومیت یک ساله وی پس از ضرب و شتم شدید یک خبرنگار در سال ۱۳۸۷ بود؛ واقعه‌ای که نشان داد «صراحت لهجه» او گاهی به خشونت فیزیکی نیز تسری می‌یابد.

«محافظه‌کار» تلویزیون و کاملاً در چارچوب سیاست‌های سازمان محسوب می‌شد (تا جایی که حتی «آمادگی خود برای اعزام به سوریه به‌عنوان مدافع حرم» را اعلام کرده بود) با تغییر موضعی آشکار به فضای مجازی و پلتفرم‌های خصوصی روی آورد. مخاطب، حق دارد که این اقدامات ضیا را نه در راستای «خواست مردم» بلکه تلاشی برای «دیده شدن» و کسب «ویو» و «لایک» در فضای پرمنفعت شبکه نمایش خانگی تلقی کند. مردم صداقت مجری و برنامه را باور نمی‌کنند؛ چراکه پیشینه او متناقض است و این تردید باعث می‌شود که هر پروژه‌ای با هدف کنترل فضای موسیقی یا طرفداران آن تفسیر شود. این عدم باور، تنها به ضیا محدود نمی‌شود بلکه بحران عمومی اعتماد به چهره‌هایی است که تغییر موضع می‌دهند و زمینه را برای تخریب هر چهره‌ای که سعی در ایجاد پلی میان «مردم» و «حاکمیت» دارد، فراهم می‌کند. جنجال‌های فرهنگی و چهره‌ها، نمونه‌هایی از یک الگوی تکراری و خطرناک هستند: حذف مرجعیت‌های قابل اعتماد از جامعه. وقتی شروین پس از مجوز گرفتن، شایع پس از حضور در یک برنامه و یا هر بازیگر و ورزشکار دیگری بعد از اندکی

محبویت، هدف حملات قرار می‌گیرد این پیام منتقل می‌شود که «هیچ شخصیتی مورد وثوق و درست نیست».

اقتصاد رو به وخامت

در پس زمینه این جدال‌های فرهنگی و جنجال‌های سلبریتی‌ها، بحران اقتصادی ایران به وخامت بیشتری می‌رود. گزارش‌ها نشان می‌دهند که اقتصاد با شکاف فاحش میان ثروتمند و فقیر و «ناپدید شدن طبقه متوسط» تعریف می‌شود. درحالی‌که تورم مواد غذایی به ۹۰ درصد رسیده و ارزش دستمزدها به کمترین حد تاریخی رسیده است، جامعه درگیر دعواهای بی‌پایان بر سر رپ مجوزدار، علی ضیا و سیم کارت‌های سفید است. این سرگرم کردن مردم با دوگانه‌های کاذب و حمله به چهره‌ها عملاً به عنوان «پرده انحرافی» عمل می‌کند. به جای تمرکز بر فساد ساختاری، فقر و سوءمدیریت اقتصادی که معیشت میلیون‌ها ایرانی را تهدید می‌کند، جامعه خشم خود را بر سر یک هنرمند یا مجری خالی می‌کند. این وضعیت به نفع جریانی است که با تولید مداوم دوقطبی‌های کاذب، مانع از هم‌افزایی نیروهای اجتماعی برای حل مشکلات واقعی می‌شود و بحران مدیریت را در سایه این نزاع‌ها پنهان می‌کند.

شهر

انفجار جمعیتی تهران

شهری که هر سال یک استان به آن اضافه می‌شود

اظهارات اخیر استاندار تهران بار دیگر زنگ خطر تراکم جمعیتی پایتخت را به‌صدا درآورده است؛ شهری که به گفته محمدصادق معتمدیان هر سال معادل جمعیت یک استان جدید را در خود جای می‌دهد. این گزاره اگرچه تکان‌دهنده به‌نظر می‌رسد اما برای ساکنان تهران چندان غافلگیرکننده نیست؛ چراکه سال‌هاست نشانه‌های این بارگذاری بی‌وقفه را در ترافیک، آلودگی هوا، کمبود خدمات شهری، بحران مسکن و افت کیفیت زندگی لمس می‌کنند. استاندار تهران با اشاره به صدور ۱۰۳ هزار مجوز ساخت مسکن در سال ۱۴۰۳ در استان تهران – که حدود ۶۵ درصد آن مربوط به شهرداری تهران است – به یکی از ریشه‌های اصلی تشدید بحران جمعیتی اشاره می‌کند. این آمار نشان می‌دهد برخلاف تأکیدهای مکرر بر مهار رشد جمعیت پایتخت همچنان موتور ساخت‌وساز و جذب جمعیت جدید روشن است. در واقع، تهران از یک سو با سیاست‌های رسمی کنترل بارگذاری جمعیتی مواجه است و از سوی دیگر، با صدور گسترده مجوزهای ساخت عملاً به بازتولید همین بحران دامن می‌زند. معتمدیان، کنترل بارگذاری‌های جدید جمعیتی را «مهم‌ترین اولویت» مدیریت استان دانسته و تأکید کرده است که ابتدا باید وضعیت مجوزهای صادر شده و روند ساخت‌وساز مدیریت شود. این سخنان را می‌توان نشانه‌ای از پذیرش این واقعیت دانست که بدون اصلاح سیاست‌های شهری و ساختمانی، شعار کنترل جمعیت به نتیجه‌ای نخواهد رسید. تجربه سال‌های گذشته نیز نشان داده که توسعه عمومی و فشرده‌سازی شهر، بدون توسعه همزمان زیرساخت‌ها، تنها به افزایش فشار بر منابع محدود تهران منجر می‌شود. در این میان، اظهارات استاندار درباره خروج پادگان‌ها و مراکز نظامی از شهر تهران نیز قابل تأمل است. او این موضوع را «اولویت دهم» دانسته و عملاً آن را به حاشیه رانده است؛ در حالی‌که آزادسازی این اراضی می‌توانست، فرصتی برای بازتوزیع کاربری‌های شهری، افزایش سرانه‌های خدماتی و حتی کاهش تمرکز جمعیتی باشد. این نگاه، نشان‌دهنده تقدم رویکردهای کوتاه‌مدت مدیریتی بر اصلاحات ساختاری در مدیریت شهری تهران است. استاندار تهران البته به دستورات رئیس‌جمهور در شورای عالی شهرسازی و معماری اشاره و ابراز امیدواری کرده است که فعال شدن کارگروه‌ها و نهایی شدن پیشنهادها به کنترل بارگذاری‌های جدید کمک کند. با این حال پرسش اصلی اینجاست که آیا این تصمیمات می‌توانند در برابر روندهای ریشه‌دار مهاجرت، تمرکز امکانات و جذابیت اقتصادی تهران ایستادگی کنند یا نه. تهران امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند تصمیم‌های سخت و شجاعانه است: تصمیم‌هایی که صرفاً به مدیریت مجوزها محدود نشود بلکه به بازتعریف نقش پایتخت در نظام توسعه ملی بینجامد. در غیر این صورت، هشدار «افزوده شدن یک استان در هر سال» ممکن است به زودی از یک جمله خبری به یک واقعیت بحرانی و غیر قابل بازگشت تبدیل شود.

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی
مدیرهنری: رضا دولتزاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروف‌چین: سحر خسروجردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

گزارش ویژه

مصارف گاز ادارات زیر ذره بین گروه پایش قرار می‌گیرد



آذربایجان شرقی- سازندگی: مدیرعامل شرکت گاز استان آذربایجان شرقی با اعلام آغاز طرح پایش مصارف گاز در بخش‌های اداری و پرمصرف گفت: گروه پایش مصارف گاز، بازدیدهای میدانی خود را برای جلوگیری از هدررفت گاز طبیعی آغاز کرده است.

فیروز خدایی افزود: در راستای رعایت عدالت اجتماعی امسال با مشترکین پرمصرف در تمامی بخش‌ها به صورت جدی و قانونی برخورد خواهد شد.

وی درباره جزئیات این طرح در ادارات دولتی افزود: بر اساس دستورالعمل‌های ابلاغ‌شده، همه ادارات و دستگاه‌های دولتی موظفند، دمای رفاه ۲۰ درجه سانتی‌گراد را در محیط کار رعایت کنند و پس از ساعات اداری و در روزهای تعطیل، تمامی سیستم‌های گرمایشی را خاموش کنند.

خدایی تأکید کرد: در صورت بی‌توجهی ادارات به این الزامات، پس از اخطار اولیه، گاز آنها قطع خواهد شد. وی اظهار کرد: تأمین پایدار گاز در زمستان نیازمند همراهی و همدلی همه دستگاه‌ها و هم‌افزایی بین‌بخشی در نهادهایسازی فرهنگ مصرف بهینه به عنوان التزامی ملی است.

به گفته خدایی، شرکت گاز استان آذربایجان شرقی از تمامی تدابیر و تمهیدات اجرایی در راستای عدالت‌محوری و جلوگیری از هدررفت گاز طبیعی در بخش‌های غیرضروری استفاده خواهد کرد و در همین راستا بر اساس پایش‌های مدون استفاده از وسایل گرمایشی در فضای باز نظیر گرما، تابش‌ها، جریان گاز ویلاهای خالی از سکنه و استخرهای خانگی ممنوع بوده و در صورت مشاهده ضمن برخورد قانونی، جریان گاز واحد متخلف قطع خواهد شد.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه شهرستان ساری منطقه سه

برابر رای شماره ۵۳/۱۰۹۵۳/۴۵۷۰۳۱۰۴۶۰۱۴۰۴۶ مورخه ۰۶/۰۸/۱۴۰۴ که در هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه سه ساری تصرفات مالکانه آقای سید مسعود کاظمی سنگدهی فرزند سید حسین بشماره ملی ۵۷۸۹۹۰۰۸۴۴ بشماره پرونده ۲۲۹-۱۴۰۴ نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۴۰۰۰ (چهار هزار) مترمربع قسمتی از پلاک ۴ اصلی بخش ۲۸ ثبت ساری قریه سنگده و درزیکلا خریداری از سیده سکینه موسوی سنگدهی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

شناسه آگهی: ۲۰۵۱۷۳۸

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳

فریبز یوسفیان حمیدی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساری
منطقه ۳

گزارش ویژه

بازدید رئیس ایمنی و آتش‌نشانی شرکت ملی نفت ایران از شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری

ارتقای وضعیت کارکنان ایمنی در مناطق نفت‌خیز جنوب صورت گرفته است که ان‌شاء الله به زودی نهایی و اجرایی خواهد شد. در ادامه، محمدحسین قنوتی، سرپرست HSE شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری، گزارشی از اقدامات انجام‌شده در حوزه ایمنی و آتش‌نشانی ارائه کرد. وی گفت: تهیه و به‌روزرسانی تجهیزات تخصصی آتش‌نشانی، تأمین لباس‌های حفاظتی ویژه و برگزاری بیش از ۱۸۰۰۰ نفر ساعت دوره آموزشی در تمامی سطوح نیروی انسانی طی سال ۱۴۰۴ از جمله برنامه‌های جدی شرکت بوده است. بازدید از تأسیسات منطقه کرنج (واحدهای بهره‌برداری، نمک‌زدایی، گاز و گازمایع ۱۵۰۰ و ایستگاه آتش‌نشانی) از دیگر برنامه‌های رئیس ایمنی و آتش‌نشانی شرکت ملی نفت ایران بوده است.

بود. مدیرعامل شرکت آغاچاری همچنین بر لزوم برنامه‌ریزی کلان در جهت به‌روزرسانی تأسیسات و تجهیزات عملیاتی تأکید کرد و افزود: صیانت از تأسیسات و افزایش تاب‌آوری تجهیزات از وظایف اصلی ماست و تداوم تولید ایمن بدون شک در گرو ارتقای سطح ایمنی است. مهندس عیدک‌زاده در این دیدار ضمن تقدیر از تلاش‌های مجموعه شرکت آغاچاری، مناطق نفت‌خیز جنوب را شالوده اصلی تولید در شرکت ملی نفت ایران دانست و افزود: همه ما در مسیر واحدی برای دستیابی به اهداف تولید حرکت می‌کنیم و مسائل و دغدغه‌های شما را با جدیت پیگیری خواهیم کرد. وی در پایان اظهار کرد: اقدامات قابل توجهی در زمینه تأمین ماشین‌آلات و تجهیزات آتش‌نشانی، نوسازی ساختار سازمانی و

اهواز: مهندس عیدک‌زاده، رئیس ایمنی و آتش‌نشانی شرکت ملی نفت ایران، با حضور در شرکت آغاچاری از بخش‌های مختلف این شرکت بازدید و با مدیرعامل و جمعی از مدیران شرکت دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار مهندس دهبان‌پور، مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاچاری، ضمن قدردانی از حمایت‌های مدیران ارشد شرکت ملی نفت ایران، حضور رئیس ایمنی را نشان‌دهنده اهمیت بالای موضوع ایمنی و آتش‌نشانی در شرایط کنونی صنعت نفت کشور دانست.

وی با تشریح اقدامات انجام‌شده در زمینه ایمنی و آتش‌نشانی اظهار کرد: با توجه به شرایط عملیاتی تأسیسات نفتی، فعالیت در این صنعت همواره با ریسک بالا همراه است بنابراین باید قدردان تلاش و فداکاری نیروهای انسانی فعال در این حوزه

نوبت دوم

جان‌شما، جان آب!

آگهی تجدید مزایده عمومی شماره ۴۰۴ / ۲ / ۶



شرکت آب و فاضلاب استان قزوین

– مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: بر اساس پیشنهاد مزایده گران و شرایط ذکر شده در اسناد مزایده.
– مهلت دریافت اسناد مزایده از سامانه ستاد ایران: از ساعت ۱۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۷.
– مهلت ارائه پیشنهاد در سامانه ستاد ایران: تا ساعت ۹ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۸.
– زمان و محل بازگشایی پاکات: ساعت ۱۰:۳۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۸ در محل سالن جلسات شرکت آب و فاضلاب استان قزوین.
– شرایط اولیه مزایده گران: اشخاص حقیقی و حقوقی، متقاضی استفاده از پساب با کاربری مشخص شده و حائز شرایط مندرج در اسناد مزایده.
– نشانی مزایده‌گزار: قزوین-خیابان سعدی شمالی-منبع آب- شماره تلفن ۰۲۸-۳۳۸۹۰۶۰۰.
– هزینه آگهی مزایده به عهده برنده مزایده می‌باشد.
– مدت اعتبار پیشنهاد قیمت‌ها، از تاریخ آخرین مهلت ارائه پیشنهادات به مدت ۶ ماه می‌باشد.

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳

روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب استان قزوین

شناسه آگهی ۲۰۶۶۲۴۶

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی



جدول زمانی انجام مناقصه	
شروع فروش اسناد	از ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۴
مهلت دریافت اسناد	تا ساعت ۱۹ عصر مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۴
مهلت بازگذاری پیشنهادات در سامانه ستاد	تا ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۱
بازگشایی پاکات	ساعت ۹ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۱

جهت اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱-۴۱۹۳۴ جهت اخذ اطلاعات بیشتر به سایتهای زیر مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۴۱-۳۱۰۷۳۲۲۳ تماس حاصل فرمایند.

www.tavanir.org.ir www.lets.mporg.ir
www.azrec.co.ir www.setadiran.ir

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۲۹

روابط عمومی شرکت برق منطقه‌ای آذربایجان

شناسه آگهی: ۲۰۶۹۰۷۱

آگهی برگزاری مناقصه عمومی

به شماره فراخوان ۲۲۰۴۰۹۰۰۴۹۰۰۰۰

مناقصه خرید خدمات چاپ و تکثیر و اسکن شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران

۷- مهلت تحویل پیشنهادها: حداکثر تا ساعت ۱۹ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۰
۸- تاریخ و محل گشایش پاکات: ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۵ به آدرس: فرودگاه مهرآباد-ادارات مرکزی هما- اتاق جلسات ساختمان پشتیبانی
۹- میزان تضمین فرآیند ارجاع کار: برابر ۳٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال (به شرح مندرج در بند ۸ برگ شرایط مناقصه)
۱۰- میزان تضمین انجام تعهدات: ۱۰٪ مبلغ پیشنهاد قیمت می‌باشد
۱۱- تضمین حسن انجام کار: ضمانتنامه حسن انجام کار از هر پرداخت صورت‌حساب پیمانکار ۱۰٪ بعنوان ضمانتنامه حسن انجام کار کسر میگردد.
توضیحات:
– مناقصه گر می‌بایست حداقل سه سال سابقه مرتبط با موضوع قرارداد داشته باشد.
– ارائه تصویر گواهینامه صلاحیت پیمانکاری صادره از تعاون، کار و رفاه اجتماعی یا سایر مراجع صلاحیت دار مرتبط با موضوع مناقصه



روابط عمومی
هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران "جا"

– با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir از تاریخ

۱۴۰۴/۰۹/۲۲ روز شنبه لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۲۹ روز شنبه ساعت ۱۹

م الف ۳۴۰۸